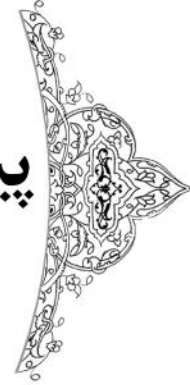




اظهار نظر کارشناسی با موضوع:

## پیشگیری ساختاری از بیماری



### محورهای جلسه:

۱. آیا ما نیازمند سیاست گذاری در حوزه طب هستیم یا خیر؟
۲. تعریف حیات؛ به محوریت سلول یا به محوریت رزق؟
۳. پیشگیری ساختاری از بیماری یا پیشگیری توصیه‌ای؟
۴. تعریف نسخه به ابزار درمان یا تعریف نسخه به ابزار پیشگیری؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.



## شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش اول) هجدهمین مکتوب از نوع سوم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیشخوان) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با جمعی از فعالین حوزه طب اسلامی است که با موضوع «تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری» در تاریخ ۱ مردادماه ۱۳۹۸ در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد. نمودار این جزوه در قطع A۳ بوده و باید روی هم قرار گرفته تا در نمای بیرونی جزوه قرار نگیرد.

# فهرست مطالب

مقدمه: (معرفی ساختار محصول) ..... الف

مقدمه‌ای از چهار سؤال مطرح در نظریهٔ پیشگیری ساختاری از بیماری ..... ۱

۱. سؤال اول: آیا ما نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه طب هستیم یا خیر؟ ..... ۳

۱/۱. بسته‌بودن دست‌اطبای طب اسلامی در کشور؛ بهترین شاهد برای احتیاج مبرم به یک دستگاه سیاست‌گذاری در حوزه طب اسلامی ..... ۳

۱/۲. گسترش گفتگوها حول تراریخته‌ها در کشور؛ نتیجهٔ تدبیر و طراحی ملی به مدت چهارماه بر روی این مسئله ..... ۴

۲. سؤال دوم: تعریف حیات؛ به محوریت سلول یا به محوریت رزق؟ ..... ۴

۲/۱. تعریف "حیات" به وجود متابولیسم درون‌سلولی و قدرت تکثیرشوندگی، در ادبیات زیست‌شناسی موجود ..... ۵

۲/۱/۱. شکل‌گیری سایر مباحث زیست‌شناسی امروز بر روی تعریف زیست‌شناسان از مفهوم "حیات" ..... ۶

۲/۱/۱/۱. تقسیم‌بندی موجودات زنده در زیست‌شناسی امروز؛ یکی از سرفصل‌های متولدشده از تعریف زیست‌شناسان از مفهوم "حیات" ..... ۷

۲/۱/۱/۲. طبقه‌بندی موجودات بر مبنای وزن تسبیح آنان؛ ملاک تقسیم‌بندی موجودات در مباحث فقه‌الحیاء ..... ۷

۲/۱/۱/۳. عدم فهم ربوبیت و حتی خالقیت خدا در مباحث زیست‌شناسی؛ یکی از ریشه‌های تحلیل مادی آنان از مفهوم "حیات" ..... ۸

۲/۲. وابستگی شدید فهم "حیات" بر فهم ابعاد رزق، در ادبیات وحی ..... ۸

۲/۲/۱. وجود متغیرهای متعدد و غیر قابل شناسایی در فرایند متابولیسم هر موجود؛ دلیلی بر عدم اشراف زیست‌شناسان پوزیتویست در تحلیل‌های خود ..... ۹

۲/۲/۱/۱. تحلیل بخشی زیست‌شناسی کنونی از موجودات، به دلیل بی‌نهایت‌بودن متغیرهای موجود در موجودات؛ علت تصرفات ناقص پزشکی در درمان بیماری‌ها ..... ۹

۲/۲/۱/۲. بیانیه‌های پی‌درپی سازمان بهداشت جهانی از عوارض داروها؛ شاهدهی محکم بر بخشی‌بودن نگاه زیست‌شناسانهٔ پزشکی امروز ..... ۱۰

۲/۳. طبقه‌بندی سه دسته روایات پیرامون رزق در مباحث فقه‌الحیاء ..... ۱۰

۲/۳/۱. معنای رزق در دسته اول روایات: همهٔ تقدیرشده‌ها برای انسان ..... ۱۰

۲/۳/۲. معنای رزق در دسته دوم روایات: ابرمتغیرهای مؤثر بر زندگی دنیوی و اخروی انسان ..... ۱۱

۲/۳/۳. معنای رزق در دسته سوم روایات: معیشت روزمره (خوراک و پوشاک و ...) ..... ۱۲

۲/۴. اختلال در حیات (به چالش کشیده شدن سلامتی)؛ تابعی از اختلال در ابعاد رزق ..... ۱۲

۲/۴/۱. غذاخوردن در منظر دیگران؛ یکی از مناسک رزق ایجادکنندهٔ اختلال در حیات ..... ۱۳

۲/۴/۲. بحث از تغذیه به محوریت نوع روابط انسانی ایجادشده در تولید آن غذا، به عنوان یکی دیگر از مناسک اختلال در مسئله حیات افراد ..... ۱۴

۲/۴/۲/۱. حرمت گوشت ذبح‌شده بوسیله غیر مسلمان" به مخالفت ذبح‌کننده با پیامبر اکرم؛ نشانگر تحلیل غذا به محوریت روابط انسانی ..... ۱۴

۲/۴/۲/۲. تأکید به خوردن میوه‌هایی خاص برای ارتقای روحیهٔ شجاعت در انسان‌ها؛ شاهدهی دیگر بر نگاه ویژهٔ اسلام شریف به مسئله روابط انسانی در امر تغذیه ..... ۱۵

۲/۴/۲/۳. قابل تفاهم بودن نگاه خاص اسلام به تغذیه با آحاد بشریت ..... ۱۵

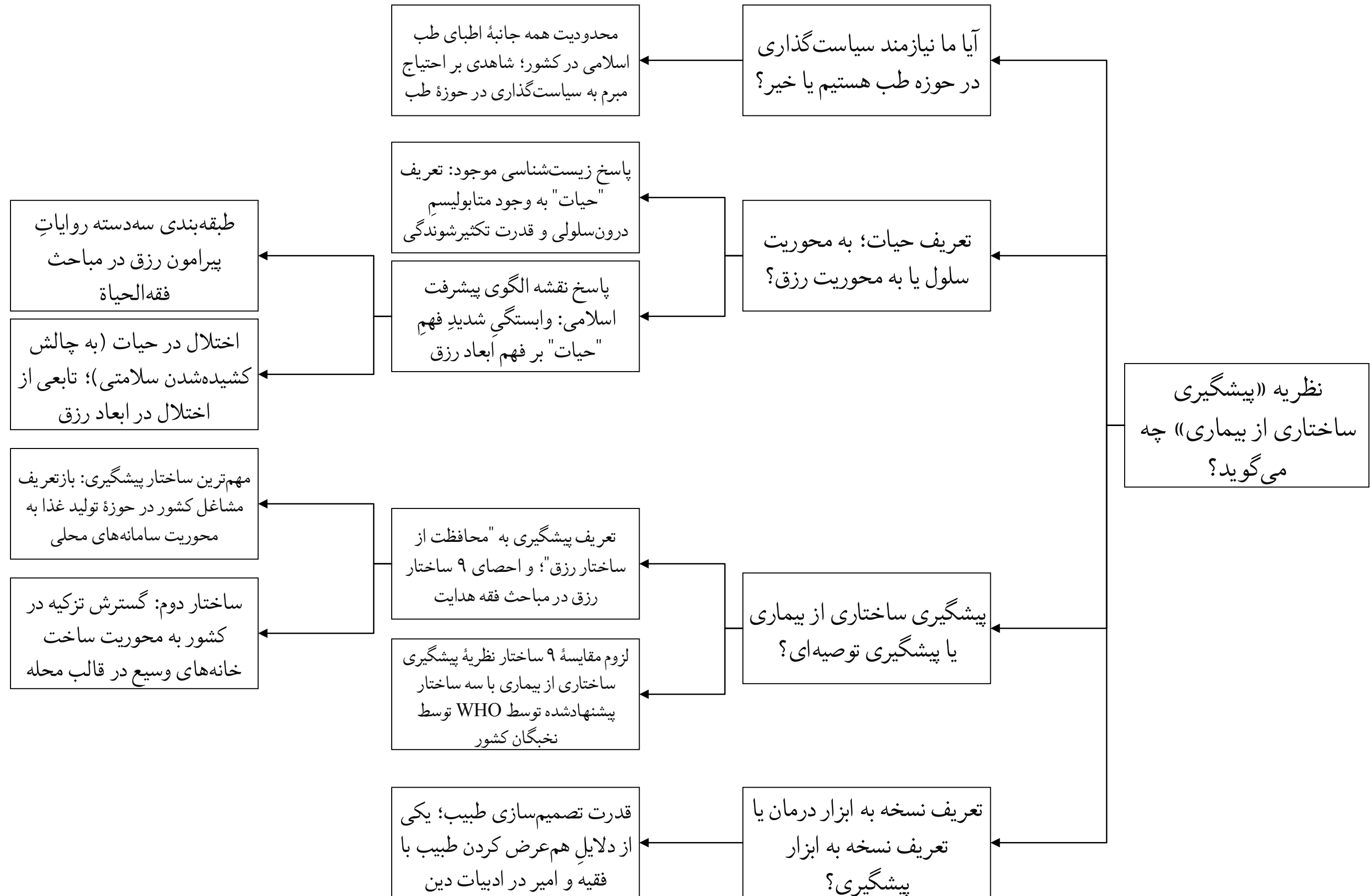
۳. سؤال سوم: پیشگیری ساختاری از بیماری یا پیشگیری توصیه‌ای؟ ..... ۱۶

۳/۱. تعریف پیشگیری به محافظت از ساختار رزق؛ و احصای ۹ ساختار رزق در مباحثات فقه هدایت ..... ۱۶

۳/۲. بیان همراه با اکرام؛ یکی از نه ساختار رزق ..... ۱۶

- ۳/۳. بازتعریف مشاغل کشور در حوزه تولید غذا به محوریت مشاغل خانگی؛ یکی دیگر از زیرساخت‌های پیشگیری ساختاری از بیماری ..... ۱۷
- ۳/۳/۱. عیب اول مشاغل صنعتی در حوزه غذا به سلامتی انسان‌ها: اختلال در تولید غذای حلال به صورت مکرر ..... ۱۸
- ۳/۳/۲. عیب دوم: الزام به استفاده از مواد نگهدارنده ..... ۱۸
- ۳/۳/۳. عیب سوم: الزام به استفاده از بسته‌بندی ..... ۱۸
- ۳/۱/۸. احصای نه ساختار پیشگیری در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در مقایسه با سه ساختار معرفی شده از سوی سازمان بهداشت جهانی برای پیشگیری ..... ۱۸
- ۳/۴. گسترش ترکیب در کشور به محوریت ساخت خانه‌های وسیع در قالب محله؛ یکی دیگر از زیرساخت‌های پیشگیری ساختاری از بیماری ..... ۱۹
- ۳/۴/۱. مهم‌ترین اثر پیشگیری‌کننده از بیماری توسط مسکن وسیع: مدیریت بازی کودکان توسط پدر و مادر در خانه ..... ۱۹
۴. سؤال چهارم: تعریف نسخه به ابزار درمان یا تعریف نسخه به ابزار پیشگیری؟ ..... ۲۰
- ۴/۱. لزوم انتشار گزارش‌هایی از برترین نسخه‌های تصمیم‌ساز به غرض تفاهم پیشگیری مدنظر اسلام با جامعه، به عنوان خروجی جلسات ارزیابی نسخه ..... ۲۰
- ۴/۲. استفاده از نسخه برای تصمیم‌سازی؛ بهترین ابزار برای ارتقای سطح پیشگیری در جامعه به دلیل توجه ویژه خانواده هر مریض بر روی نسخه بیمار خود ..... ۲۰
- ۴/۳. قدرت پیشگیری و تصمیم‌سازی توسط طبیب؛ یکی از دلایل هم‌عرض کردن طبیب با فقیه و امیر در ادبیات دین ..... ۲۱
- پیوست شماره ۱: گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی ..... ۲۲
- پیوست شماره ۲: آیات و روایاتی پیرامون معرفی "ظلم به خود" (گناه)، به عنوان منشأ ایجاد بیماری ..... ۲۳
- پیوست رجالی پیرامون روایت شریف: «أَنْتَهُ لَا مَانِعَ وَلَا مُعْطِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قُسِمَ لَهُ» ..... ۲۴
- الف) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای مشهور ..... ۲۴
- ب) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای تکاملی ..... ۲۷
- شناسنامه محتوایی ..... ۳۱
- نظام سؤالات ..... ۳۲
- نظام اصطلاحات ..... ۳۳
- نظام ارجاعات ..... ۳۳

# نظریه «پیشگیری ساختاری از بیماری» چه می گوید؟







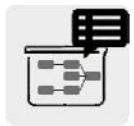
## مقدمه: (معرفی ساختار محصول)

جزوه پیش‌رو حاوی متن پیاده‌شده سخنانی حجت‌الاسلام علی کشوری همراه با ده بخش تبیینی در حول متن است که خوانش متن را بهبود بخشیده، همراهی خواننده را با سیر استدلالی بحث تسهیل نموده و به پرسش‌های احتمالی حول مطالب جلسه پاسخ می‌دهد.

توضیح بخش‌های مختلف این محصول:

### ۱- نمودار و فهرست

هر متن علمی باید دارای مجموعه‌ای از مهره‌های اصلی و فرعی نسبت به سیر اصلی بحث باشد. فهرست جزوه، نشانگر سیر بحث در میان ساختارهای اصلی و فرعی است؛ نمودار نیز ساختار کل بحث را در یک نگاه تصویر می‌کند.



### ۲- پاورقی و توضیحات تکمیلی (پیوست)

پیوست و پاورقی ارائه‌دهنده بخشی از مستندات و تحلیل‌های پشتیبان متن اصلی است. پیوست‌ها شامل سه دسته پیوست‌های رجالی، ادبی و توضیحی هستند:



**الف) پیوست رجالی؛** اولین دسته از پیوست‌هایی است که به غرض احراز موثوق‌الصدور بودن روایت یا روایات محوری که ساختار بحث جلسه بر آنها ابتناء دارد، ضمیمه می‌شود.

این پیوست‌ها شامل پاسخ به دفترچه‌ای حاوی یازده سؤال است که اثبات موثوق‌الصدور بودن روایت را بر اساس دو مبنای «وثوق صدوری بر مبنای مشهور» و «وثوق صدوری بر مبنای تکاملی» نشان می‌دهد.

**ب) پیوست ادبی؛** دومین دسته از پیوست‌هایی است که به غرض تبیین تفاوت مبنای «عربی عرفی دانستن ادبیات قرآنی و روایی» با «عربی مبین دانستن ادبیات قرآنی و روایی» در فهم از آیه یا روایت محوری مطرح شده در جلسه، ضمیمه شده است.

(این جزوه دارای پیوست ادبی نیست)

**ج) پیوست توضیحی؛** سومین دسته از پیوست‌هایی است که به غرض نشان دادن ارجاعات و استنادات سیر استدلالی بحث، ضمیمه شده است.

### ۳- نظام سؤالات

نظام سؤالات شامل مجموعه سؤالاتی است که ساختار متن جزوه در مقام پاسخگویی به آنها و تحلیل این سؤال‌هاست.



این سؤالات بر اساس «الگوی استخراج سؤال» طراحی شده‌اند؛ خروجی الگوی استخراج سؤال، «حسُنُ السُّؤال» است.

حسن‌السؤال عبارت است از سؤال خوبی که بین مخاطب و مباحث ارتباط ایجاد می‌کند. حسن‌السؤال یا سؤال خوب باید حائز سه ملاحظه باشد تا بتواند با ذهن مخاطب ارتباط عمیقی پیدا کند؛ پایه، رکن و شرح سؤال.

**الف) پایه سؤال؛** مسئله و دغدغه مشترک میان گوینده و شنونده است. اگر سؤالی دارای «پایه سؤال مشترک» نباشد، شنونده انگیزه‌ای برای فکر کردن درباره آن سؤال و ادامه گفتگو نخواهد داشت و در همین نقطه ارتباط قطع می‌شود.

**ب) رکن سؤال؛** نقطه و تحلیلی که طراح سؤال در نظر دارد ذهن مخاطب خود را به آن مقصد برساند.

**ج) شرح سؤال؛** مجموعه استدلال‌ها، ارجاعات و مطالبی که مخاطب را از «پایه سؤال» به «رکن سؤال» می‌رساند.

نظام سؤالات این جزوه شامل سؤالات اصلی و فرعی متن و همچنین تطبیق این سؤالات بر «الگوی استخراج سؤال» در بخش سؤالات اصلی است.

#### ۴- نظام اصطلاحات



نظام اصطلاحات، بیانگر نظام مقایسه‌هایی است که در متن جلسه بین اصطلاحات نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی با اصطلاحات مکاتب فکری دیگر انجام شده است.

#### ۵- نظام ارجاعات



ارائه‌دهنده عناوین مراجع، تعداد ارجاعات به هر مرجع در متن جلسه و مشخصات شناسنامه‌ای مراجع کتبی به غرض تسهیل در یافتن منابع توسط محققین می‌باشد.

منابع ارجاعات سه نوع هستند: منابع پژوهشی، پرورشی و پردازشی.

**الف) ارجاعات پژوهشی؛** شامل ارجاعات به قرآن کریم، کتب روایی و دیگر کتب شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به غرض بیان اجمالی حجیت مباحث مطرح شده در جلسه است.

**ب) ارجاعات پرورشی؛** شامل ارجاعات به متفکرین اسلامی و غیر اسلامی به غرض مقایسه نظریات شورای راهبردی با افکار و نظریات دیگر مکاتب فکری است.

**ج) ارجاعات پردازشی؛** شامل ارجاعات به سخنان مسئولین و آمارهای رسمی کشوری و بین‌المللی به غرض نشان‌دادن کاربردی و واقعی بودن تحلیل‌های مطرح‌شده در جلسه است.

#### ۶- نظام محصولات مرتبط



نظام محصولات مرتبط، بیانگر مکتوبات دیگری است که از لحاظ علمی با مباحث مطرح‌شده در این جلسه ارتباط تنگاتنگی دارد. با توجه به محدودیت زمان جلسه، برخی از مفاهیم و اصطلاحات بکار رفته در جلسه به صورت اجمالی مطرح شده است؛ رجوع به محصولات مرتبط با مباحث این جلسه، باعث تبیین بیشتر این مفاهیم خواهد شد و این مهم، لازمه فهم صحیح و کامل از معادلات جامع علمی مطرح شده در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی است.

#### ۷- شناسنامه محتوایی:



شناسنامه محتوایی ارائه دهنده نظام سؤالات، اصطلاحات، ارجاعات و محصولات مرتبط جلسه در یک نگاه است.

#### ۸- گزارش نشست‌های شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی



در این بخش گزارشی تصویری از تعداد نشست‌های گفتمانی برگزار شده در اقصی نقاط کشور به تفکیک استان‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی و رادیویی درباره ابر مسئله‌الگوی پیشرفت اسلامی ارائه شده است.

#### ۹- گزارش محصولات منتشر شده شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

در این بخش گزارشی درباره محصولات نُه‌گانه انتشارات الگوی پیشرفت اسلامی ارائه شده است. توضیح کارکرد هر یک از محصولات در خود این بخش آمده است.





#### مقدمه‌ای از چهار سؤال مطرح در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری

بسم الله الرحمن الرحيم. خیر مقدم عرض می‌کنیم خدمت برادران و فضایی محترم حوزه علمیه قم و دوستانی که در مسئله طب اسلامی از السَّابِقُونَ هستند. پیشنهاد می‌کنم به فضل الهی این جلسه را انشاء الله مقدمه‌ای برای آغاز دور جدید گفتگوهای ملی مرتبط با حوزه سلامت از نگاه اسلام - با قید نظام‌سازی در این حوزه - تلقی کنیم. همانطور که به اطلاع شما رسیده، قرار است در چند روز آینده، یک جلسه‌ای در حوزه علمیه قم برگزار شود و نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری مورد مباحثه قرار بگیرد تا اگر انشاء الله مجموعه مقدمات لازم حول این نظریه تأمین شد بتوانیم یک قدم تکمیلی در راستای نظام‌سازی در حوزه سلامت برداریم. برای واضح‌تر شدن چارچوبی که در مباحثات نظریه پیشگیری ساختاری مطرح است - و البته که نیازمند بحث‌های تکمیلی و تفصیلی در یک فضای مناسب‌تری در این باره هستیم - چهار موضوع را محضر دوستان گزارش می‌دهم و سعی می‌کنم آنچه که در مورد این نظریه در قلب ما است را با دوستان مطرح کنم. بحث بنده یک مقدمه دارد که در واقع این مقدمه، یک سؤال است و آن اینکه آیا ما نیازمند سیاست‌گذاری و طراحی نظام تدبیر در حوزه طب هستیم یا خیر؟ در شرایط فعلی عمل برخی از جریان‌های فعال در حوزه طب اسلامی، این را نشان می‌دهد که ما نیازمند چنین مسئله‌ای نیستیم! لذا ما این سؤال را با صراحت مطرح کردیم تا از این فضای مبهم قدری عبور کنیم. چون اگر قائل شدیم به اینکه ما الان نظام تدبیر حوزه طب نداریم - یعنی راجع به آن، کتاب نداریم، راجع به آن، جلسه نداریم، مفاهیم پایه در این حوزه نداریم، نظام اولویت‌بندی در برنامه‌ریزی‌ها نداریم - آن

موقع فضای برنامه‌ریزی ما برای پیشبرد و تحقق روایات این حوزه متفاوت می‌شود. اگر هم قائل شویم که برنامه‌ریزی‌های خردی که الان در فعالیت مجموعه مؤسّسات و فضایی محترم این حوزه دیده می‌شود، همان نظام تدبیری است که منجر به نظام‌سازی می‌گردد؛ فضای بحث یک شکل دیگری پیدا می‌کند. این یک بحث است که سعی می‌کنم به آن بپردازم.

محور دومی که امشب می‌خواهم در محضر شما قدری راجع به آن صحبت کنم این است که ما با مجموعه علوم زیستی‌ای که زیرساخت طب هستند و در دانشگاه‌ها بحث می‌شوند راجع به تعریف حیات اختلاف داریم. و در واقع این محور، بحثی پیرامون مبانی نظری طب است. اگر بپذیریم که تعاریف پایه حوزه پزشکی و حوزه زیست‌شناسی در وضعیت نابهنجار فعلی مؤثر هستند؛ ظاهر قضیه این است که ما نمی‌توانیم بدون بهینه‌کردن این تعاریف، حرکت‌مان را به سمت نظام‌سازی تسهیل کنیم. بنابراین یک بخشی را هم می‌خواهم راجع به تعریف حیات در دنیای امروز و تعارضات این نوع تعریف حیات با مفاهیم پایه پیامبران و آیات وحی، محضر شما ارائه کنم؛ تا قدری ضرورت ایجاد چالش در تعاریف پایه حوزه طب، ظهور و بروز پیدا کند. اهمیت این مطلب، آن موقعی واضح می‌شود که ما یک بررسی میدانی در مجموعه دفاعیاتی که فضایی ما الان از طب اسلامی انجام می‌دهند داشته باشیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مثلاً وقتی فضایی ما می‌خواهند از خاصیت یک میوه توصیه‌شده در روایات مثل به، گللابی، کدو... دفاع کنند؛ معادله بیوشیمی آن میوه را مبنا قرار می‌دهند و دفاع خودشان را انجام می‌دهند. مثلاً [می‌گویند:] به دلیل اینکه میوه به، ابزار ترشح فلان آنزیم در فرایند نظام عصبی است؛ پس به یک میوه خوبی است. یعنی زبان دفاع ما همان زبان پایه طب شیمیایی است! و این، نمی‌تواند مورد دفاع ما باشد. اگر ما معتقدیم یک دستگاه طبی و یک نظام سلامت جدیدی داریم؛ مفاهیم پایه و زبان دفاع اختصاصی خودش را باید تولید و تأسیس کنیم. این اهمیت محور دوم است که محضر شما عرض کردم. حتی برخی از آقایان به بنده توصیه کرده‌اند - حتماً به شماها هم این توصیه‌ها شده است - که ما مثلاً زبان علمی را در دفاع از روایات طبی توسعه بدهیم. مراد از زبان علمی همین معادلات حاکم در متابولیسم<sup>۱</sup> و آنابولیسم<sup>۲</sup> و سوخت‌وساز سلول و در واقع تکیه بر مولکول‌های زیستی در تحلیل حیات انسان است. لذا به این دلیل مهم که ما یک زبان پایه در دفاع از نظام سلامت اسلامی داریم ولی از آن استفاده نمی‌کنیم؛ به نظرم گفتگوها راجع به مفهوم حیات، موضوعیت [و ضرورت] پیدا می‌کند.

محور سومی که امشب به اجمال به آن خواهم پرداخت؛ تعریف پیشگیری - استظهارا للروایات و الآیات - است. بله! گفته شده که مثلاً اگر شما اقلام اساسی غذایی خودتان مثل نان، روغن، آب،

۱. متابولیسم (Metabolism) عبارت است از فرآیندهای شیمیایی که در تمام و یا بخشی از پیکره موجودات زنده روی می‌دهد.

فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۶۱۹

۲. آنابولیسم (Anabolism) مرحله‌ای از متابولیسم موجودات زنده است که در طی آن، مولکول‌های پیچیده از مولکول‌های ساده‌تر ساخته می‌شوند.

فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۴۷

نمک و ... را اصلاح کنید؛ این، نوعی پیشگیری است و البته آثارش هم غیرقابل انکار است. یا مثلاً دوستانمان در طب سنتی بر روی "سنت ضروریه"<sup>۳</sup> به عنوان یک ساختار پیشگیری بسیار تأکید می‌کنند؛ و مباحثات دیگری هم در این حوزه وجود دارد. ولی سخن در این است که اگر ما بخواهیم نظام جامع پیشگیری را بحث کنیم؛ آیا می‌توانیم پیشگیری را محدود به این مباحثات کنیم؟ یا پیشگیری از نظر فقهی، یک دامنه توسعه‌یافته‌تری از این مباحثات خواهد داشت؟ به این دلیل سعی می‌کنیم به این معنا هم بپردازیم.

و در نهایت محور چهارمی که قصد طرح مسئله‌اش را در این جلسه داریم این است که ما باید تعریف از نسخه را در بین خودمان و در عمل خودمان تکامل بدهیم. اینکه ما نسخه را مجموعه‌ای از داروهای بهینه‌کننده سلامت بدانیم؛ ظاهراً یک تعریف حداقلی و تنزلی است. حالا بنا بر بحثی که در حوزه پیشگیری ارائه می‌دهم؛ شاید تعریف نسخه بر پایه پیشگیری برای حوزه نظام‌سازی، راهگشا باشد. اگر وقت شد به تفصیل در این جلسه بحث می‌کنم و اگر هم وقت نشد در یک جلسات تفصیلی‌تری محضرتان ارائه خواهیم داد.

پس مجموعه مباحثاتی که من قصد دارم در این جلسه محضر دوستان عالم و فاضل خودم طرح کنم، در این چهار بخش خلاصه می‌شود. در واقع این چهار بخش، ساختار نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را قدری واضح خواهد کرد.

#### ۱. سؤال اول: آیا ما نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه طب هستیم یا خیر؟

اما در محور اول عرض کردم سؤال ما این است که آیا ما به نظام تدبیر و سیاست‌گذاری در حوزه طب اسلامی نیاز داریم یا نه؟ کما اینکه الان به صورت نانوشته - و بعضی وقت‌ها هم به صورت مکتوب - از "بی‌نیازی به چنین نظامی" دفاع می‌شود. یعنی برخی آقایان اذعان می‌کنند: همین حرکت‌های بسیجی و جهادی ناهماهنگ در نهایت بر نظام سلامت موجود غلبه خواهد کرد. این، مسئله‌ای است که باید راجع به آن گفتگو کنیم.

۱/۱. بسته‌بودن دست اطبای طب اسلامی در کشور؛ بهترین شاهد برای احتیاج مبرم به یک دستگاه سیاست‌گذاری در حوزه طب اسلامی

من اجمالاً به خاطر یک استدلال معتقدم که ما به نظام سلامت و به طراحی در این حوزه نیاز داریم و آن استدلال هم این است که: الان دست دوستان طب اسلامی بسته است! یعنی هم در تولید دارو، هم در تعلیم و آموزش، هم در برگزاری جلسات نقد جدی به نظام سلامت موجود؛ ما با محدودیت‌های گسترده‌ای روبرو هستیم. این محدودیت‌های گسترده در نهایت خودش باعث می‌شود که ما حرف نهایی خودمان را نتوانیم با جامعه تفاهم کنیم و جامعه ما را به عنوان یک رقیب توانمند در مقابل تئوری‌های WHO حس نمی‌کند. پس ما را هم به عنوان نسخه‌نهایی انتخاب

۳. «اسباب ضروری (سنت ضروریه) تغییر دهنده احوال و حافظ بدن انسانند؛ و آن شش قسم است، قسم اول: هوایی که بدن ما را احاطه کرده و بدن برای ترویج قلب و تعدیل روح بدان احتیاج دارد... قسم دوم: در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها... قسم سوم: در بیان خواب و بیداری... قسم چهارم: در بیان حرکت و سکون... قسم پنجم: در بیان احتیاس و استفرغ... قسم ششم: در بیان رویدادهای نفسانی (احداث النفسانیه)...»

نخواهد کرد يا - اگر من بخواهم نرمش قهرمانانه انجام بدهم - خیلی دير اين اتفاق خواهد افتاد. بنابراین به دليل اينکه الان ما در جامعه توسعه گفتگو نداريم؛ به نظر می‌رسد که می‌شود با یک تدابيري و با یک سياست‌گذاري‌هایی به اين هدف دست پيدا کنیم.

مثالی می‌زنم تا غرض بنده روشن تر شود: در حدود چهارمahi که ما یک برنامه ملی را به کمک خود شما دوستان در حوزه تراريخته‌ها طراحی و اجرا کردیم؛ یکی از اتفاقاتی که در حدود این چهار ماه طراحی بر مبنای الگوی ساخت و الگوی تفصیل افتاد این بود که سطح گفتگوهای ملی راجع به تراريخته‌ها نسبت به دوره‌های زمانی گذشته ده‌ها برابر ارتقاء پيدا کرد. این یک بررسی‌ای است که همه کارشناسان اهل فن و دخیل در مسئله به آن معترف هستند. پس اگر تجربه تراريخته‌ها - که یک تجربه همکاری مشترک بین ده‌ها گروه فعال و حساس به آینده ایران بود - را بخواهیم به عنوان یک مثال قرار بدهیم؛ من فکر می‌کنم این تجربه در سایر محورهای طب اسلامي و نظام سلامت هم قابلیت تکرار دارد. پس دليل اصلی‌ای که بنده دعوت می‌کنم که بیاید هزینه‌های مفهومی، اجرایی و اخلاقی طراحی یک نظام تدبیر جدید را همه با هم بپذیریم؛ همین بحث توسعه تضارب و توسعه گفتگو راجع به روایات و آیات در حوزه طب و سایر حوزه‌هاست. اگر همه سعی کنیم که هماهنگی‌ها و نظام مفاهیم جدیدی را تحقق ببخشیم؛ اولین اتفاقی که خواهد افتاد این است که گفتگوها ارتقاء پيدا خواهد کرد و به نظر من اگر گفتگوها جدی‌تر شود ضعف دستگاه تحلیلی جناح مقابل و WHO برای مردم و نخبگان واضح‌تر خواهد شد. گاهی وقت‌ها شما در فضای گفتگوهای تلگرامی و شبکه‌های اجتماعی و بعضی از کلاس‌ها می‌خواهید با مردم تفاهم کنید و گاهی وقت‌ها در فضای یک گفتگوی ملی، این کار را پیگیری می‌کنید. به نظر سرعت نوع دوم گفتگوها بیشتر خواهد بود. بنابراین نظم اجتماعی پوسیده حوزه سلامت هم با سرعت بیشتری تغییر پيدا خواهد کرد. پس این بخش اول که بنده دعوت می‌کنم این است که - در آن جلسه هم به فضل الهی اعلام خواهم کرد - : دوستانی که راجع به آینده مردم ایران در حوزه سلامت حساس هستند، تدابیری را که منجر به هماهنگ‌تر شدن این جریان است بپذیرند. حالا شرحش را در جلسات دیگری بیان خواهم کرد که این تدابیر دقیقاً چه مصداقی می‌توانند داشته باشند.

۱/۲. گسترش گفتگوها  
حول تراريخته‌ها در کشور؛  
نتیجه تدبیر و طراحی ملی به  
مدت چهارماه بر روی این  
مسئله

## ۲. سؤال دوم: تعریف حیات؛ به محوریت سلول یا به محوریت رزق؟

محور دوم عرائض بنده، مسئله تعریف حیات است. خوب؛ الان حیات یک تعریفی دارد. اولاً یک معركة‌الآراء در تعریف مسئله حیات وجود دارد. یعنی جزو مواردی است که دنیای مدرنیته و حتی دنیای قبل از مدرن و آن دنیایی که دست طاغوت‌ها بوده و مفاهیم آنها را گسترش می‌دادند - و مراد عمده نگاه‌های فلسفی است - نتوانسته‌اند یک تعریف غنی و اقناع‌کننده‌ای راجع به مسئله حیات ارائه بدهند.



حالا آن چنانی که ما بررسی اجمالی کرده‌ایم - و البته نیازمند بررسی‌های تفصیلی‌تری هم است - ۲/۱. تعریف "حیات" به تعریفی را که جریان پوزیتویستی از مسئله حیات ارائه می‌دهد بر روی دو محور تکیه دارد: محور اول عبارت است از اینکه موجود حی و زنده موجودی است که قدرت تکثیرشوندگی را داشته باشد.<sup>۴</sup> و قدرت تکثیرشوندگی، در ادبیات زیست‌شناسی موجود [پوزیتویست‌ها] وقتی می‌خواهند مسئله حیات را بحث کنند، خیلی روی این مطلب تأکید می‌کنند و در بسیاری از موارد روی این قدرت تکثیر تمرکز دارند؛ و مسئله دوم روی سوخت‌وساز و متابولیسم سلولی است. در گفتگوهای آنها تکیه زیادی روی مسئله متابولیسم است و بحث‌های زیادی مطرح شده است. البته همانطور که عرض کردم تعاریف مختلفی وجود دارد و این [دو مسئله‌ای که بیان شد] قدر مشترک بسیاری از تعاریف است. بنابراین آقایان [پوزیتویست] معتقدند که اگر موجودی دارای سوخت‌وساز سلولی باشد و خودتکثیرشونده هم باشد آن موجود زنده است. به اصطلاح خودشان [اگر] فرآیند اتوپوز (Autopoiesis)<sup>۵</sup> بر یک موجود حاکم باشد ما می‌توانیم به آن موجود موجود زنده بگوییم.

۴. تعریف حیات در نگاه زیست‌شناسان برتر دنیا متفاوت است؛ البته که در نگاه آنان، تعریف حیات به محوریت سوخت‌وساز شیمیایی درون سلول (متابولیسم) و نیافتگی سلول (اتوپوز) بیشتر به چشم می‌آید، در هر صورت می‌توان اذعان کرد که تقریباً قریب به اتفاق آنان، سلول را محور حیات موجودات می‌دانند. به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

ژاک مونو (برنده جایزه نوبل فیزیولوژی): رفتار هدفمند، ریخت‌زایی خودمختار و عدم تنوع تولیدمثلی. [۱]

ارنست مایر (برنده جایزه کرافورد و از مشهورترین زیست‌شناسان سده بیست): پیچیدگی و سازمان‌بندی، یکتایی شیمیایی، کیفیت، یگانگی و گوناگونی، داشتن برنامه‌ی ژنی، طبیعت تاریخی، انتخاب طبیعی و عدم قطعیت. [۲]

دنیل کوش‌لندجر تحلیلی مبتنی بر ترمودینامیک به این شرح ارائه داده است: برنامه، بداهه، کد، کده‌بندی، انرژی، ترمیم، سازگاری و جدایی از محیط پیرامون. [۳]

کلاروس امکه می‌گوید: حیات یعنی انتخاب طبیعی اجزای همتاساز. [۴]

مینارد اسمیت: «موجوداتی که صفات تکثیر، تنوع و وراثت را دارند، زنده‌اند در حالی که موجوداتی که یک یا چند تا از این صفات را ندارند، زنده نیستند» [۵]

اتوپوز به معنای قابلیت یک موجود زنده (مانند یک سلول باکتری یا سلول مولتی ارگانیسم)، برای حفظ و بازتولید خود به وسیله تنظیم ترکیب و صیانت از مرزهای خود است. [۶] بر اساس این دیدگاه می‌توان تعریفی از مفهوم حیات ارائه داد. [۷] به این شکل که تمام موجودات طبیعی از کوچکترین باکتری‌ها تا بزرگترین ساخت‌های حیاتی از نیای مشترکی که تکامل یافته‌اند یعنی از اولین سلول، زنده شده‌اند. [۸]

همچنین ناسا (اداره کل ملی هوانوردی و فضای آمریکا) در تعریف رسمی خود درباره حیات بیان داشته: موجود زنده یک سامانه‌ی شیمیایی خود سامانده است که قابلیت تکامل دارویی دارد. [۹]

و در آخر جمله‌ای از هاروی لودویس: سلول‌های تشکیل دهنده بدنمان مانند خودمان، می‌توانند رشد کنند، تولید مثل نمایند، اطلاعات را پردازش کرده و به محرک‌ها پاسخ‌دهند. آنها ترتیبی شگفت‌انگیز از واکنش‌های شیمیایی را انجام می‌دهند. این توانایی‌ها زندگی را تعریف می‌کنند. انسان و دیگر موجودات چندسلولی شامل میلیاردها یا تریلیون‌ها سلول سازمان‌یابی شده در ساختارهای پیچیده هستند، اما تعدادی از موجودات فقط یک سلول انفرادی دارند. با این حال حتی موجودات تک‌سلولی ساده تمام صفات مشخص‌کننده زندگی را نشان می‌دهند که این امر بر این موضوع دلالت دارد که سلول واحد اساسی زندگی است. [۱۰]

[۱] Monod J (۱۹۷۱). *Chance and necessity*. New York: Knopf.

[۲] Mayr E (۱۹۸۲) *The Growth of Biological Thought*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

[۳] Koshland Jr DE (۲۰۰۲) *The seven pillars of life*. Science. ۲۹۵. ۲۲۱۶-۲۲۱۵

[۴] Emmeche C (۱۹۹۸) *Defining life as a semiotic phenomenon*. *Cybernetics and Human Knowing*. ۵, ۱۷-۳

[۵] Maynard Smith J (۱۹۸۶) *The problems of biology*. Oxford, UK: Oxford University Press.

[۶] Merriam-webster.com/dictionary/autopoiesis لغت‌نامه وبستر

[۷] Francisco J. Varela, in *Self-Organizing Systems: An Interdisciplinary Approach*, ۱۹۸۱

[۸] Lynn Margulis and Dorion Sagan, *What is Life?*, ۲۰۰۰

[۹] Astrobiology.nasa.gov/research/life-detection/about سایت رسمی ناسا

[۱۰] *Molecular Cell Biology*/page ۱

۲/۱/۱. شکل‌گیری سایر  
مباحث زیست‌شناسی امروز  
بر روی تعریف  
زیست‌شناسان از مفهوم  
"حیات"

خب؛ حالا روی همین مبنا در ادبیات پوزیتویستی امروز، اجزای سوخت‌وساز و اجزای تکثیر هم شکافته شده است. مثلاً راجع به تمام پلیمرهایی که در متابولیسم سلولی وجود دارد و پیرامون اجزای درونی تمام مولکول‌های زیستی<sup>۶</sup> و ارتباط آنها با همدیگر هم بحث کرده‌اند. یکی از بحث‌های قابل توجهی که ما در مباحثاتمان با آن کار داریم این است که: اینها گفته‌اند عمده مولکول‌های زیستی، پلیمرهای کربن‌پایه هستند. بنابراین مثلاً عنصر کربن برای نگاه پوزیتویستی، درجه اهمیت بالایی پیدا می‌کند؛ چون از نظر اینها زیرساخت همه مولکول‌های زیستی مثل اسیدهای نوکلئیک<sup>۷</sup>، پروتئین‌ها<sup>۸</sup> و سایر مولکول‌های زیستی است. این یک بحثی است که خودش یک دنیایی دارد؛ مثلاً

۶. Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms. Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هر یک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: [britannica.com/science/biomolecule](http://britannica.com/science/biomolecule)

۷. Nucleic acid, naturally occurring chemical compound that is capable of being broken down to yield phosphoric acid, sugars, and a mixture of organic bases (purines and pyrimidines). Nucleic acids are the main information-carrying molecules of the cell, and, by directing the process of protein synthesis, they determine the inherited characteristics of every living thing. The two main classes of nucleic acids are deoxyribonucleic acid (DNA) and ribonucleic acid (RNA). DNA is the master blueprint for life and constitutes the genetic material in all free-living organisms and most viruses. RNA is the genetic material of certain viruses, but it is also found in all living cells, where it plays an important role in certain processes such as the making of proteins.

نوکلئیک اسید، یک ترکیب شیمیایی طبیعی است که قادر به شکسته شدن برای تولید اسید فسفریک، قندها و ترکیبی از بازهای آلی است (پورین و پیریمیدین). اسیدهای چرب، مولکول‌های حامل اطلاعات اصلی سلول هستند و با هدایت فرآیند سنتز پروتئین، ویژگی‌های ارثی هر موجود زنده را مشخص می‌کنند. دو گروه اصلی اسیدهای نوکلئیک عبارتند از: دی‌اکسیریبونوکلئیک اسید (DNA) و اسید ریبونوکلئیک (RNA). اما DNA طرح جامع زندگی است و ماده ژنتیکی را در تمام موجودات زنده و اکثر ویروس‌ها تشکیل می‌دهد. RNA از نوع ژنتیکی ویروس‌های خاص است، اما در تمام سلول‌های زنده نیز یافت می‌شود، که در آن نقش مهمی در فرآیندهای ویژه‌ای مثل ساخت پروتئین‌ها ایفا می‌کند.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: [britannica.com/science/nucleic-acid](http://britannica.com/science/nucleic-acid)

۸. Protein, highly complex substance that is present in all living organisms. Proteins are of great nutritional value and are directly involved in the chemical processes essential for life. ... Proteins are species-specific; that is, the proteins of one species differ from those of another species. They are also organ-specific; for instance, within a single organism, muscle proteins differ from those of the brain and liver.

A protein molecule is very large compared with molecules of sugar or salt and consists of many amino acids joined together to form long chains. There are about ۲۰ different amino acids that occur naturally in proteins. Proteins of similar function have similar amino acid composition and sequence. Although it is not yet possible to explain all of the functions of a protein from its amino acid sequence, established correlations between structure and function can be attributed to the properties of the amino acids that compose proteins.

پروتئین ماده‌ای بسیار پیچیده است که در تمام موجودات زنده وجود دارد. پروتئین‌ها ارزش غذایی بسیار بالایی دارند و مستقیماً در فرایندهای شیمیایی ضروری برای زندگی دست دارند. ... پروتئین‌ها گونه‌هایی خاص هستند؛ یعنی، پروتئین‌های یک گونه از گونه‌های دیگر متفاوت هستند. به عنوان مثال، در درون یک ارگانیسم، پروتئین‌های ماهیچه از مغز و کبد متفاوت هستند.

یک مولکول پروتئینی در مقایسه با مولکول‌های قند یا نمک بسیار بزرگ است و از بسیاری از آمینو اسیدها تشکیل شده است که به هم متصل می‌شوند تا زنجیره‌های طولانی تشکیل دهند. حدود ۲۰ اسید آمینه مختلف وجود دارد که به‌طور طبیعی در پروتئین‌ها وجود دارند. پروتئین‌های دارای عملکرد مشابه، دارای ترکیب و توالی اسید آمینه مشابه

بحث اندامک‌های سلول را بحث کرده‌اند که یکی از اندامک‌ها، هسته سلول است، هسته سلول مرکز تجمع ژن‌هاست و اصطلاحاً نظام ژنوم در آنجا وجود دارد. به هر حال چون در اصل تعریف پذیرفته‌اند که سوخت‌وساز و تکثیر، عامل اصلی حیات است؛ [لذا] درون اجزای آن را هم مفصل بحث کرده و سعی کرده‌اند که معادلات درونی اینها را کشف کنند.

در یک بحث دیگر، تقسیمات دیگری مطرح کرده‌اند و انواع موجودات زنده و دارای حیات را هم بحث کرده‌اند. این هم یکی از سرفصل‌های مباحثاتی زیست‌شناسی امروز است. مثلاً در یک تقسیم، موجودات را به موجودات تک‌یاخته<sup>۹</sup> یا دارای مدل سلولی ساده یا به اصطلاح تک‌سلولی تعریف کرده‌اند و می‌گویند اینها بخشی از موجودات زنده هستند. در مقابل موجودات تک‌یاخته، موجودات پُریاخته<sup>۱۰</sup> وجود دارد که این موجودات پُریاخته یعنی آن موجودی که از مجموعه‌ای از یاخته‌ها و نظام سلولی تشکیل شده است. سپس خود موجودات پُریاخته را به موجودات مُهره‌دار و بی‌مُهره تقسیم کرده‌اند و یک نظام تقسیمی‌ای را بحث کرده‌اند؛ مثلاً موجودات مُهره‌دار را تقسیم کرده‌اند به پستانداران که اینها مهم‌ترین نوع موجودات زنده یا جانورها - در اصطلاح زیست‌شناسی - هستند. مثلاً گفته می‌شود که ما بیش از ۵ هزار پستاندار در روی کره زمین داریم. [دیگر مهره‌داران عبارتند از] پرندگان، دوزیستان، خزندگان و ماهی‌ها؛ اینها مجموعه تقسیماتی است که راجع به مهره‌داران انجام شده است. در بخش بی‌مُهره‌ها هم - که بخش دیگری از موجودات پُریاخته هستند - تقسیماتی وجود دارد: نرم‌تنان وجود دارند، کیسه‌تنان وجود دارند و امثال آنها. یک تقسیماتی هم در آنجا وجود دارد که من نمی‌خواهم وارد بحث آنها بشوم. پس در مجموع رده‌هایی از حیات و طبقه‌بندی‌ای از موجودات زنده ارائه داده‌اند.

حالا یک مطلبی هم داخل پراگماتر عرض کنم: اینکه شما بیایید سلول را اصل قرار بدهید و طبقه‌بندی موجودات را به نظام تجمیع سلولی بحث کنید - یعنی هر موجودی سلول بیشتری دارد، فرآیند سلولی بیشتری دارد - این شاید به شرحی که بعداً در جلسات تفصیلی می‌دهم با طبقه‌بندی موجودات بر مبنای تسبیح در تعارض باشد. یکی از بحث‌هایی که ما در فقه‌الحیاه داریم همین بحث طبقه‌بندی موجودات و مراحل خلقت است که موجودات عالم از حیث وزن و از حیث تقدیر دارای چه طبقه‌بندی‌ای می‌توانند باشند. در آنجا مبنای طبقه‌بندی، قدرت تسبیح است. اینجا مبنای طبقه‌بندی موجودات و دادن یک نظام طبقه‌بندی به آنها، قدرت متابولیسم و سوخت‌وساز و خود

هستند. اگرچه هنوز ممکن نیست که تمام وظایف یک پروتئین را از توالی اسید آمینه توضیح دهیم، همبستگی بین ساختار و عملکرد را می‌توان به ویژگی‌های آمینواسیدها که پروتئین‌ها را تشکیل می‌دهند نسبت داد.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: [britannica.com/science/protein](http://britannica.com/science/protein)

۹. دسته‌ای از جانوران که تنها از یک یاخته تشکیل شده‌اند و بدین‌سان از جانوران دیگر یعنی پُریاخته‌گان (metazoa) متمایز می‌گردند.

فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۸۳۳

۱۰. جانورانی که پیکرشان دارای یاخته‌های بسیار است و بدین‌سان از تک‌یاخته‌گان که تک سلولی هستند مشخص می‌شوند همه جانوران معمولی و انسان در این گروه قرار می‌گیرند.

فرهنگ زیست‌شناسی، ص ۶۲۵

تکثیری است. [این دو مبنا] دو نگاه را برای انسان‌ها درست می‌کنند: در نگاه دوم و نگاه اصلی‌ای که ما به آن معتقدیم موجودات آیه خدا و ابزار ذکر هستند. ولی در این نگاه موجودات مستقل و خودتکثیرشونده هستند! شما در این تعریف جریان ربوبیت را نمی‌بینید و جریان ربوبیت نقض می‌شود. موارد اختلافی زیادی در نوع نگاه جهان‌بینی ما پیدا می‌شود که از جمله آن، دو موردی است که اشاره کردم و بعداً هم آنها را شرح می‌دهم.

بنابراین فعلاً ما در مجموع با یک تعریفی از حیات روبرو هستیم که در این تعریف خاص مسئله تکثیر و مسئله سوخت‌وساز سلولی اصل است؛ و این مبنای تمام مطالعات بعدی است. لذا در یک جمله غربی‌ها و پوزیتیویست‌ها معتقدند که موجود زنده موجودی است که دارای سلول باشد و حیات را به حیات سلول معنا می‌کنند. البته این‌قلت‌هایی هم در این بحث وجود دارد که من از آنها می‌گذرم و وارد آنها نمی‌شوم ولی به هر حال یک دستگاه جهان‌بینی‌ای در نظام زیستی کشور ما حاکم است که در آن، ربوبیت اصلاً بحث نمی‌شود! و شاید اشاره‌ای به خالقیت بشود که در بسیاری از مباحثات حتی به جای مسئله خالقیت الهی هم کلمه "طبیعت" به کار برده می‌شود و اصلاً خدا را حتی به عنوان خالق هم در تحلیل‌ها بحث نمی‌کنند. در حالی که ما در مباحثات فقهی خودمان دنبال این هستیم که در نگاه انسان‌ها، موجودات به عنوان مظهر ربوبیت تحلیل بشوند و مورد استفاده برای رشد قرار بگیرند. این یک بحث است.

خب؛ حالا ما چه می‌گوییم؟ حالا می‌خواهم در مقابل این تعاریف، یک بحث‌هایی را مطرح کنم. بحث پایه ما و جمع‌بندی ما در این باره این است که: می‌شود حیات را به محوریت مسئله رزق تحلیل کرد. یعنی همانطور که آقایان پوزیتیویست، سلول را - به اصطلاح ما در فقه‌اللبیان<sup>۱۱</sup> - لغت افتتاح<sup>۱۲</sup> در نظر می‌گیرند و راجع به سلول صحبت می‌کنند تا درک از حیات در اذهان ایجاد شود؛ ما هم راجع به مفهوم رزق به عنوان لغت افتتاح وارد بحث می‌شویم تا بعد یک نظام معنایی دیگری را از مفهوم حیات در اذهان ایجاد کنیم. انتخاب این لفظ، اعمال سلیقه صرف نیست؛ حکمت انتخاب این لفظ این است که اگر شما مفهوم رزق را انتخاب کردید، اولاً و بالذات و در درجه اول اهمیت،

۱۱. فقه‌اللبیان ۹ باب بحثی است که در مجموع، قواعد تخاطب منجر به هدایت را تبیین می‌کند. قواعدی همچون بیان مبتنی بر ظرفیت (قدر)، بیان مبتنی بر تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح. برای مطالعه بیشتر پیرامون این نظریه مهم به مکتوب دوره مباحثاتی فقه‌اللبیان مراجعه کنید.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه: [yon.ir/cfa۲G](http://yon.ir/cfa۲G)

۱۲. یکی از ابواب فقه‌اللبیان که در واقع باب هفتم فقه‌اللبیان است، بیان مبتنی بر انفتاح است. به صورت اجمالی این باب می‌گوید نظام معنایی دینی مانند یک شهر هستند و همان‌طوری که در یک شهر کوچه‌ها و خیابان‌ها با یکدیگر ارتباط دارند؛ معانی و مفاهیم دینی نیز با هم ارتباط دارند؛ بنابراین اگر شما می‌خواهید مفاهیم نظام‌مند شریعت را فهم کنید، نمی‌توانید آن فهم و تفاهم را از یک نقطه مرکزی آغاز کنید؛ کما اینکه وقتی می‌خواهید وارد یک شهر شوید، ورود شما به یک شهر از طریق ورود به یک خیابان مرکزی نیست و حتماً ورود از جایی مثل ترمینال شروع می‌شود که آن ترمینال، یک دسترسی برای آن خیابان مرکزی برای شما ایجاد می‌کند. در نظام مفاهیم دینی نیز بنا بر این تمثیلی که عرض کردم، بعضی از مفاهیم، مقدمه فهم برخی مفاهیم دیگر هستند و اگر شما آن مفهوم عالی را مورد توجه قرار ندهید، درک از مفهوم وابسته پیدا نمی‌شود و دچار مشکل می‌شوید. مثالی می‌زنم تا بحث واضح‌تر شود؛ اگر کسی قصد دارد که مفهوم هدایت را متوجه شود باید یک مفهومی را پله و طریق ورود به مفهوم هدایت قرار دهد و به تعبیر خودمان با یک مفهوم دیگری مفهوم هدایت را مفتوح کند؛ یعنی مفهوم هدایت را بازگشایی و روشن بکند. ما به چنین مفهومی، لغت افتتاح هدایت می‌گوییم.

نظریه وثوق صدوری به معنای تکاملی (پیشخوان ۱۰)، صص ۲-۱

روی وابستگی یک موجود به نظام ربوبی تکیه کرده‌اید. اساساً متبادر از کلمه رزق، تکیه به ربوبیت است؛ و این معنا در واقع در کلمه رزق نهفته است. البته مفاهیم دقیق دیگری نیز در این کلمه حضور دارد که بعداً با اصل "ازدواج مفاهیم" آن را شرح خواهیم داد. پس این یک نکته‌ای است که ما وقتی می‌خواهیم درک از حیات را در اذهان ایجاد کنیم؛ به جای اینکه گفتگوهایمان را حول سلول سازماندهی کنیم و ابعاد سلول را بشکافیم [به سراغ بحث از رزق می‌رویم].

نظام موجودات عالم قابل شمارش نیستند و شما می‌توانید درون نظام مولکولی، ده‌ها نظام پیدا کنید که اگر قرار باشد مجموعه معادلات این متغیرها مورد دقت قرار بگیرد، حتماً از توان اشرافی بشر خارج است. آقایان! یک مثال بسیار ساده می‌زنند که اگر شما یک مُشت خاک را از زمین بردارید، این مُشت خاک - به تعریفی که خودشان می‌گویند - دارای میلیاردها موجود زنده است! خوب؛ اگر قرار است ما براساس اجزای مولکولی یا ریزتر از اجزای مولکولی، مسئله حیات را تحلیل کرده و معادلات کاربردی به دست بیاوریم؛ سؤال بسیار فنی این است که آیا ما اساساً می‌توانیم به اجزای مولکولی یا ریزتر از مولکول اشراف پیدا کنیم تا بعد، نظام معادلات پیچیده اینها را کشف کنیم؟ یعنی پوزیتویسم، یک مسیری را پیش‌روی بشر قرار داده که بشر را از اشراف نسبت به مسئله حیات محروم می‌کند. واقعاً شما با هر دستگاه تحقیقاتی سازمانی و با هر ابزار تکنولوژی پیچیده‌ای که داشته باشید نمی‌توانید توصیف کنید که مثلاً در برگ یک درخت، چند جزء مولکولی، یونی، اتمی، ژنتیکی و سایر مولکول‌های زیستی وجود دارد؛ بعد نظام ارتباطات اینها چیست و اینها چگونه با همدیگر ارتباط می‌گیرند که به یک واحد تبدیل شده‌اند و دارند کار می‌کنند؛ ظاهراً توصیفش امکان نداشته باشد. آن چیزی که برای بشر امروز بر مبنای پوزیتویسم امکان دارد این است که حداکثر در نظامی از متغیرها که قابل شناسایی است، دقت می‌کند، ارتباط‌های آنها را بحث می‌کند و یک نظریه زیستی را مطرح می‌کند.

بله! ما قبول داریم اگر یک موجود زنده‌ای مثلاً هزار متغیر داشته باشد و شما ده متغیر آن را شناسایی کنید و نظام روابط آن را تغییر بدهید؛ در کل آن موجود می‌تواند تصرف کنید، ولی معلوم نیست این تصرف - چون به بخشی دیگر از نظام متغیرها وابسته است - یک تصرف بهینه‌ای محسوب شود. لذا دیده‌اید که ده‌ها تصرف با اتکای به بخشی از نظام متغیرها انجام می‌شود، بعد خود آقایان اعتراف می‌کنند که مثلاً این تحلیل ده‌ها فرآیند دیگر را به چالش کشیده است. مثال آتم این بحث بنده، داروهای شیمیایی است؛ مثلاً وقتی می‌خواهند سرطان را کنترل کنند بر اساس چه تحلیلی می‌خواهند کنترل کنند؟! می‌آیند براساس یک تحلیل بخشی، نظری را اعمال کرده و مریض را قانع می‌کنند که مثلاً شیمی‌درمانی کند، بعد تمام متغیرهای دیگر حیات آن فرد را به چالش می‌کشند. خودشان هم به این مسئله اعتراف دارند.

اصلاً یکی از کارهایی که WHO به عنوان یک امر منظم انجام می‌دهد - و در ایران این کار خیلی کم‌رنگ نشان داده می‌شود - این است که راجع به عوارض دارویی به صورت مفصل، بیانیه‌های

۲/۲/۱/۱. تحلیل بخشی  
زیست‌شناسی کنونی از  
موجودات، به دلیل  
بی‌نهایت بودن متغیرهای  
موجود در موجودات؛ علت  
تصرفات ناقص پزشکی در  
درمان بیماری‌ها

بی‌درپی منتشر می‌کند.<sup>۱۳</sup> ببینید! پس این یک حرفی نیست که فقط در دستگاه ما قابل تفاهم باشد. ما عرض می‌کنیم با مدل پوزیتویستی، اشراف تحلیلی به دست نمی‌آید و وقتی اشراف تحلیلی نداشتید، تعارض معادلات اصل می‌شود و تعارض معادلات حیات بشر را به چالش می‌کشد. بنابراین ما به سمت این رفته‌ایم که مفاهیم پایه‌تری را اصل قرار دهیم تا بعداً بتوانیم به یک نظام معادلات جدیدی برسیم.

اولین مفهومی که ما اصرار داریم راجع به ابعاد آن در مفهوم حیات بحث شود، مفهوم رزق است. ما سه دسته روایات راجع به مسئله رزق داریم که من اشاره می‌کنم و رد می‌شوم. یک دسته، روایاتی است که به نحو مطلق، همه "ما یُصیب" به عبد را رزق می‌داند و به صورت طبیعی حیات هم داخل در اطلاق "ما یُصیب" خواهد بود؛ مثل این روایت که محضر تان تلاوت می‌کنم که حضرت می‌فرماید: «لَا مُعْطِي إِلَّا اللَّهُ» حضرت، مباحثه خود را از منشأ اعطاء شروع می‌کنند و می‌گویند همه اعطاءها از ناحیه پروردگار است. بعد می‌فرمایند: «أَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رُزِقَ وَ قُسِمَ لَهُ»<sup>۱۴</sup> روایت به نحو مطلق می‌فرماید که آنچه به عبد و بنده اصابت می‌کند رزق او بوده، و تقسیم‌شده و تقدیرشده هم هست. بعد در نهایت روایت را به یک توصیه اساسی برای بشر ختم می‌کند که «و الْجَهْدَ لَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» می‌فرماید اگر شما هرچه هم تلاش‌تان را اضافه کنید، رزق شما از ناحیه تلاش شما اضافه نمی‌شود. بله! ممکن است شما بگویید توسعه تلاش، توسعه در تقدیر ایجاد می‌کند. [این درست است!]

آقای نظری: مثل آیه قرآن که می‌گوید «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». حجت الاسلام کشوری: بله! درست است. روایت می‌فرماید: جهد و تلاش به نحو مستقیم رزق ایجاد نمی‌کند. بله! همینطور که شما آیه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۱۵</sup> را قرائت فرمودید، این آیه در مقام این است که بگوید تلاش و سعی بیشتر، یکی از مناسک تقدیر است. یعنی اگر بنده‌ای تلاش بیشتری انجام دهد، نه به نحو مستقیم بلکه به نحو توسعه تقدیر، رزقش افزایش پیدا می‌کند. لذا روایت در مقام انکار کسانی است که نقش مستقیم تلاش را در توسعه رزق بحث می‌کنند. این، یک دسته از روایات است؛ فقط هم همین یک روایت نیست. روایات دیگری هستند که به نحو مطلق،

۱۳. برای مشاهده برخی از گزارشات سازمان بهداشت جهانی (WHO). ر.ک به صفحه رسمی WHO Drug Information به آدرس: [www.who.int/medicines/publications/druginformation/en](http://www.who.int/medicines/publications/druginformation/en)

در این صفحه گزارشی مبنی بر عوارض دارویی مختلف به صورت دوره‌ای چهاربار در هر سال منتشر می‌شود که ۳۳ سال این امر تداوم داشته است. برای مشاهده اسناد دیگری از گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۱۴. قال الصادق (عليه السلام): «... أَنَّهُ لَا مَانِعَ وَلَا مُعْطِي إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رُزِقَ وَ قُسِمَ لَهُ وَ الْجَهْدَ لَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ...» امام صادق (عليه السلام) فرمود: «... هیچ بازدارنده و عطاکننده‌ای غیر از خداوند نیست؛ و همانا هیچ چیزی به بنده نمی‌رسد مگر آنچه رزق و تقسیم شده‌ی او باشد و تلاش طاقت‌فرسا هم چیزی به رزق اضافه نمی‌کند!...»

مصدر اصلی: مصباح الشريعة، ص ۱۷۸

مصادر فرعی: بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۷۹ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۹

۱۵. وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى / سوره مبارکه نجم، آیه ۳۹ و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست.

همه آن چیزی که در اختیار انسان است - از جمله مسئله حیات - را در مسئله رزق داخل می‌دانند. بنابراین می‌توانیم دریاه در این روایات را مبنا قرار دهیم و نکاتی را در مسئله حیات با مخاطب خودمان در میان بگذاریم که اینها را به دوره‌های تفصیلی موكول می‌کنیم.

یک دسته دیگری از روایات داریم که رزق را به تک‌تک موضوعات مهم یا - به تعبیر ما - به ۲/۳/۲. معنای رزق در ابرمتغیرهای مؤثر بر زندگی دنیوی و اخروی انسان اضافه کرده است. حتما شما مجموعه این روایات را دیده‌اید: مثلا در روایت دارد که صبر رزق است،<sup>۱۶</sup> در روایات دارد که فهم "کلماتِ تامه"، رزق است. "کلماتِ تامه" آن کلماتی هستند که در آن، هدایت به نحو اتم وجود دارد؛ می‌فرماید فهم این برای همه حاصل نمی‌شود. این، رزقی است که باید اعطا شود. یا مثلا در روایت دارد که «الْهَدَايَا رِزْقُ اللَّهِ»<sup>۱۷</sup> اگر کسی به شما هدیه‌ای داد، بدانید این، رزق الهی است فلذا از او قبول کنید. توصیه کرده‌اند هدیه‌ای که اطرافیان به شما می‌دهند این را به واسطه آن کسی که می‌دهد، رزق خدا بدانید. یا مثلا در روایت هست که علم رزق است.<sup>۱۸</sup> در روایت هست شهادت رزق است.<sup>۱۹</sup> در روایت هست زیارت رزق است.<sup>۲۰</sup> پس این هم یک دسته از روایات هستند که به نحو موردی

۱۶. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّوَرَّعَ عِنْدَ اللَّغَاءِ وَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَ اِرْزُقْنِي الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ. خدايا از تو مسألت می‌کنم که به من ... رزق صبر در هنگام بلاء و گرفتاری عنایت کنی.

مصدر اصلی: العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، ص ۲۱۴  
مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲۵۷

۱۷. قال النبي ص: «الْهَدَايَا رِزْقُ اللَّهِ مَنْ أُهْدِيَ إِلَيْهِ شَيْءٌ فَلْيَقْبَلْهُ».

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: هدیه‌ها رزق خداوند هستند؛ هر کس به شما چیزی هدیه داد از او قبول کنید.

مصدر اصلی: عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۹۵  
مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶

۱۸. عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُثَنَّمِ قَالَ أَمَلَى عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ - أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَقُولُ: «... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رُوْحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُورُوحَهُمْ ... اِرْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ تَقَى وَ بَرًّا وَ وَرَعًا وَ خَوْفًا مِنْكَ ...» عمرو بن ابی مقدم می‌گوید: امام صادق علیه السلام این دعا که جامع دنیا و آخرت است را به من املاء کرد و من نوشتم که: ... خداوند ابر محمد و آل او درود فرست ... و به من رزق علم نافع عنایت فرما ...

الکافی، ج ۲، ص ۵۸۴

۱۹. الإمام علي عليه السلام - في دعائه لهاشم بن عتبة -: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِكَ، وَ الْمُرَافَقَةَ لِنَبِيِّكَ».

امام علی علیه السلام - در دعا برای هاشم بن عتبه - گفت: خدايا! شهادت در راه خودت و همجواری با پیامبرت را روزی او فرما.

مصدر اصلی: وقعة صفين، ص ۱۱۳

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۰۴

عنه عليه السلام - من دُعائه لَمَّا عَزَمَ عَلَى لِقَاءِ الْقَوْمِ بِصَفِينٍ -: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ... إِنْ أَظْهَرْتَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَبَّئْنَا الْبَغِيَّ وَ سَدَّدْنَا لِلْحَقِّ، وَ إِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَ اعْصِمْنَا مِنَ الْفِتْنَةِ».

امام علی علیه السلام - در بخشی از دعای خود هنگامی که آهنگ رویارویی با سپاه معاویه را در صفین کرد - گفت: بار خدايا! ای پروردگار آسمان بر افراشته ... اگر ما را بر دشمنمان چیره کردی، از ستمگری دورمان بدار و ما را به سوی حق، راهنمایی فرما، و اگر آنان را بر ما چیرگی دادی، شهادت را روزی ما کن و از فتنه نگاهمان دار.

نهج البلاغه، الخطبة ۱۷۱

۲۰. فَمَنْ الدُّعَاءِ فِي سَحَرِ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -: مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعُكْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي هُرَيْرَةَ التَّمَالِيَّةِ أَنَّهُ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُصَلِّي عَامَةً لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِذَا كَانَ فِي السَّحَرِ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ: «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَ لَا تَمَكِّرْ بِي فِي جَيْلِنِكَ ... وَ اِرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي [عَامِنًا] هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ [مَا أَبْتَقِينَنَا] وَ اِرْزُقْنِي زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ لَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَسَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ ...»

در دعای شریف معروف به دعای ابو حمزه تمالی که از امام سجاد(ع) نقل شده است: « خداوند در امسال و در تمام سال های عمرم ... زیارت قبر پیامبر (صلوات تو بر او و آل او باد) و زیارت ائمه (علیهم السلام) را روزی و رزق ما قرار بده ...»

مصدر اصلی: إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۷۰

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۸۶

مصادیق رزق را بحث کرده‌اند که اینها مفصل هستند و عدد بالایی از روایات در این مورد هستند؛ شاید بیش از چندصد روایت با این مضامین داریم که ما باید اینها را بررسی کنیم.

۲/۳/۳. معنای رزق در دست سوم روایات: معیشت روزمره (خوراک و پوشاک و...) در کنار حیات، عافیت و علم قرار داده‌اند، مهم‌ترین این دسته از روایات، روایاتی است که راجع به شب قدر صحبت می‌کنند.<sup>۲۱</sup> در این دسته روایات به قرینه اینکه رزق در برابر سایر ساختارها و ابعاد رزق قرار گرفته است، به نظر ما مراد از رزق در اینگونه روایات، همان معیشت روزمره است. لذا رزق به معنای معیشت روزمره و خوراک و پوشاک و همین رزقی که ما بیشتر در مورد آن صحبت می‌کنیم این هم مجموعه‌ای از روایات را شامل می‌شود.

۲/۴. اختلال در حیات (به چالش کشیده شدن سلامتی)؛ تابعی از اختلال در ابعاد رزق حالا آن چیزی که بنده می‌خواهم در این دسته‌بندی از مسئله رزق محضر شما عرض کنم این است که اختلال در حیات به اختلال در مسئله رزق برمی‌گردد. یعنی شما می‌توانید اختلال در مسئله حیات را به اختلال در رزق مرتبط بدانید؛ و البته اختلال در رزق هم تابع یک مناسکی است و در روایات بحث شده است. مثلاً معروف این روایات این است که فرمود اکثر موت‌ها، موت‌هایی است که به وسیله گناه است.<sup>۲۲</sup> یعنی در روایات ما، اصل حیات - که یک نوع رزق است - وابسته به متابولیسم و حیات سلولی شمرده نمی‌شود بلکه وابسته به نوع روابط انسانی انسان‌ها با یکدیگر یا در مقابل تکالیف الهی شمرده شده است. یعنی مثلاً اگر شما بر یک گناهی مثل قطع رحم اصرار بورزید قطعاً حیات شما به اختلال کشیده می‌شود و اصلاً رزق شما در این حوزه کاهش پیدا می‌کند.<sup>۲۳</sup> یا

۲۱. «و ما أدراك ما ليلة القدر» و معنی ليلة القدر أن الله يُقَدِّرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَالْأَرْزَاقَ - وَ كُلُّ أَمْرٍ يَخْدُثُ مِنْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ خُصْبٍ - أَوْ جَدْبٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ - كَمَا قَالَ اللَّهُ فِيهَا يُفَرِّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ إِلَى سَنَةٍ - قَوْلُهُ تَتَزَلُّ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا قَالَ تَتَزَلُّ الْمَلَائِكَةُ وَ رُوحُ الْقُدْسِيِّ عَلَى إِمَامِ الزَّمَانِ وَ يَدْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدَّ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ. در تفسیر علی بن ابراهیم آمده: معنای شب قدر این است که خداوند اجل‌ها و رزق‌ها و هر امری که حادث می‌شود از مرگ و حیات و تلخی و شیرینی زندگی و خیر و شر را در این شب مقدر می‌کند.

مصدر اصلی: تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۳

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۴

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ مَوْلُودٍ أَوْ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ، فَمَا قَدَّرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَقَضَى فَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِمْ وَ لِلَّهِ فِيهِ الْمَشِينَةُ. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «در شب‌های قدر هر آنچه که در آن سال، تا سال آینده از خیر و شر و طاعت و معصیت و تولد و مرگ و رزق باشد مقدر می‌شود، پس هر آنچه در این شب مقدر و حکم شود حتمی خواهد بود!»

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۶۷ / مشابه: الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷

۲۲. قَالَ أَبُو عَلِيٍّ فَذَكَرْتُ هَذَا الْحَدِيثَ لِأَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حَمَزَةَ مَوْلَى الطَّالِبِيِّينَ - وَ كَانَ زَاوِيَةً لِلْحَدِيثِ - فَحَدَّثَنِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسَدِ الطُّفَاوِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ، وَ مَنْ يَعْيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعْيشُ بِالْأَعْمَارِ.» امام صادق علیه السلام فرمود: آنان که با گناهان می‌میرند، بیش از مردگان به اجل‌اند، و آنان که به سبب نیکوکاری، زنده می‌مانند، بیش از زندگان به عمرند.

الأمالي شيخ طوسي، ص ۳۰۵

قَالَ الصَّادِقُ ع: «يَعْيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَ يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ.»

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم بخاطر کارهای نیکشان بیشتر زندگی می‌کنند تا نسبت به عمرهای طبیعی‌شان. و بخاطر گناهانشان بیشتر می‌میرند تا نسبت به وقت اجل‌های حتمی‌شان.

مصدر اصلی: الدعوات (لراوندي)، ص ۲۹۱

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۴۰

۲۳. عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ الْمَرْءَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا ثَلَاثٌ سِنِينَ فَيَمُدُّهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ إِنَّ الْمَرْءَ لَيَقْطَعُ رَحِمَهُ وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَقْضُهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ أَوْ أَذْي.»



مثلا در بعضی از روایات دیگر، ظلم را منشأ بیماری شمرده‌اند.<sup>۲۴</sup> ممکن است طرف متابولیسیم سلولی اش تا لحظه قبل از ظلم، سالم باشد؛ بعد از ظلم یک دفعه عافیت از او گرفته می‌شود. پس یعنی در روایات، یک منشأ دیگری را برای حیات بحث می‌کنند.

شما وقتی ظلم می‌کنید همین سلول‌ها دچار اختلال می‌شوند، به عنوان نمونه در روایت می‌فرماید ۲/۴/۱. غذا خوردن در وقتی شما یک ماده غذایی را در منظر و مرثای دیگران مصرف می‌کنید به یک درد بی‌درمان مبتلا می‌شوید.<sup>۲۵</sup> یعنی حضرت می‌فرماید به دلیل یک رابطه غلطی که با سایر انسان‌ها برقرار کرده‌اید و ایثار را اصل قرار نداده‌اید همین سلامت جسمی به چالش کشیده می‌شود. در مورد سایر ابعاد رزق هم همین بحث صادق است. پس یک بحثی اینجا شکل می‌گیرد که آن را به عنوان یک بحث مقدماتی مطرح می‌کنم: اختلال در حیات یا قطع در حیات، وابسته به اختلال در رزق یا قطع این ارزاقی است که بحث می‌شود؛ این اختلال در رزق هم تابع یک مناسک دیگر است. پس می‌توانیم از آن نظام مناسک به عنوان یک نظام مناسک سلامت نام ببریم. لذا تحلیل از حیات یا اختلال در حیات - که شما اسم آن را مرض و بیماری می‌گذارید - یا توسعه در حیات که شما نامش را عافیت و برکت می‌گذارید اینها اساسا بر اساس یک مناسک دیگری که ما نام آن را مناسک تقدیر می‌دانیم شکل خواهد گرفت که ما در اینجا ۱۵ دسته از مناسک منجر به - به تعبیر امروزی‌ها - عدم سلامت یا - به تعبیر ما - اختلال در حیات را بحث می‌کنیم.

حالا یکی از این مناسک، مسئله تغذیه است که وصف اصلی تغذیه هم وصف حلال و حرام بودن آن است.<sup>۲۶</sup> یعنی در بحث تغذیه هم از پایگاه روابط انسانی نگاه می‌کنیم که آیا این غذا حق دیگری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گاهی می‌شود از عمر کسی سه سال باقی مانده است، اما صله رحم به جای می‌آورد، پس خداوند آن را تا سسی و سه سال به تأخیر می‌اندازد و گاه می‌شود که از عمر کسی سی و سه سال باقی مانده است، اما قطع رحم می‌کند، پس خداوند آن را به سه سال یا کمتر تبدیل می‌کند.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۲۰

مصدر فرعی: وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۳۷

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا خَالِدٍ الْكَلْبِيِّ يَقُولُ سَمِعْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ بِنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ «الدُّنُوبُ الَّتِي تَعْجَلُ الْفِتْنَةَ قَطِيمَةُ الرَّحِمِ وَ التَّيْمِينَ الْفَاجِرَةَ وَ الْأَقْوَالَ الْكَاذِبَةَ وَ الزُّنَا وَ سَدُّ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ وَ ادْعَاءُ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقٍّ»

امام سجاد علیه السلام فرمود: گناهی که عمر را کوتاه می‌کند و مرگ را نزدیک می‌کند شش گناه است که عبارتند از ۱. قطع رابطه کردن با خویشاوندان، ۲. قسم ناحق (و دروغ) ۳. سخنان دروغ (و دروغ‌گویی) ۴. زنا ۵. بستن راه مسلمانان (راهگیری...) ۶. ادعای امامت نمودن به ناحق

مصدر اصلی: معانی الاخبار، ص ۲۷۱

مصدر فرعی: وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۲

۲۴. در روایات بسیاری ظلم به نفس (گناه)، منشأ بیماری شمرده شده است؛ مواردی از این روایات نورانی به همراه آیاتی از قرآن شریف که گناه و عصبانیت خدای متعال را "ظلم به خود" دانسته است را در پیوست شماره ۲ مشاهده کنید.

۲۵. عن النَّبِيِّ ص: مَنْ أَكَلَ وَ ذُو عَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُؤَاسِهِ ابْتِلَى بِدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که غذایی بخورد در حالیکه کسی که دارای چشم است به او نگاه کند و چیزی به او ندهد به بیماری‌ای مبتلا شود که دوا نداشته باشد!

مصدر اصلی: مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۷

مصدر فرعی: نهج الفصاحة، ص ۷۲۸

۲۶. يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» سوره مبارکه بقره، آیه ۱۶۸ ای مردم! از آنچه [از انواع میوه‌ها و خوردنی‌ها] در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. [ترجمه انصاریان]

وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ / سوره مبارکه مائده، آیه ۸۸

و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خدا روزی شما فرموده بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. [ترجمه انصاریان]

۲/۴/۲. بحث از تغذیه به محوریت نوع روابط انسانی ایجاد شده در تولید آن غذا، به عنوان یکی دیگر از مناسک اختلال در مسئله حیات اذاد

است یا حق شماسست. یعنی پیرامون اجزای درونی آن غذا در مرحله بعد گفتگو می‌کنیم. آخرین مطلبی هم که در بحث حیات به آن می‌رسیم این است که مناسکی را برای توسعه در حیات طبق روایات بحث می‌کنیم که بالای نود درصد اینها در حوزه روابط انسانی است. یعنی در حوزه صله رحم و در حوزه عدم ظلم به دیگران بحث می‌شود یا کسی که با عیال خودش خوش اخلاق باشد توسعه در رزق پیدا می‌کند.<sup>۲۷</sup> حالا توسعه در رزق پیدا می‌کند یعنی پول ماهیانه‌اش اضافه می‌شود یا نه! امام علیه السلام، مطلق رزق را می‌فرماید. بنا بر مبنای مختار ما وقتی کلمه رزق به نحو مطلق و بدون قرینه بیاید شامل همه حوزه‌های رزق می‌شود. یک دسته جدیدی از قواعد بحث می‌شود که بنده آنها را در دوره‌های تفصیلی، شمرده‌تر باز می‌شمارم.

۲/۴/۲/۱. وابستگی "حرمت گوشت ذبح شده بوسیله غیر مسلمان" به مخالفت ذبح کننده با پیامبر اکرم؛ نشانگر تحلیل غذا به محوریت روابط انسانی

پس این، یک بحث است: یعنی ما مقابل مفهوم سلول، مفهوم رزق را پایه قرار می‌دهیم و دنیای جدیدی را به روی بشریت باز کرده و نمونه‌سازی می‌کنیم. در آن دنیای جدید، حتی تکیه به مسئله غذا، به مدل تولید آن غذا وابسته است که آیا در فرایند صحیح روابط انسانی، تولید شده یا در یک فرایند غلط؟ مثلاً مسئله تذکیه چرا شرط مسلمان بودن در آن اصل قرار گرفته است؟ شما نمی‌توانید گوشتی را که توسط یک غیرمسلمان ذبح شده است، یک گوشت تذکیه شده و قابل استفاده بدانید.<sup>۲۸</sup> ببینید! حتی اصلی‌ترین شروط برای بهترین غذاهای ما، حوزه روابط انسانی است. یعنی یک کسی با پیامبر شما یک چالشی را ایجاد کرده، این نه به نحو قراردادی و حقوقی بلکه به نحو تقدیر، باعث می‌شود وزن افعال و اعمالش در زندگی دنیایی تغییر پیدا کند. حالا اینها در روایات موجود است؛ البته بنده وقتی خواستم اینها را عمومی تر مطرح کنم با فقه البیان و پخته‌تر ارائه می‌دهم ولی در این جلسه که مؤمنین نشستند می‌خواهم این را مطرح کنم - آنچنان که ما در روایات می‌بینیم - اولاً غذا جزو زیرساخت‌های اصلی سلامت نیست بلکه روابط انسانی سالم زیرساخت اصلی سلامت است. مثل روایات باب صله رحم یا مثل روایات باب عدم گناه کردن؛ آنها در سلامت اصل هستند. در خود مسئله غذا هم که می‌رسیم، شروط اصلی آن را با روابط انسانی تحلیل می‌کنیم. توجه داشته باشید که نمی‌خواهم خاصیت غذا روی مزاج‌ها و سایر متغیرهای اصلی حیات انکار کنم بلکه می‌خواهم بگویم مبنای دیگری شکل گرفته است.

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ خَلَالًا طَيِّبًا / سوره مبارکه نحل، آیه ۱۱۴

و از نعمت های حلال و پاکیزه‌ای که خدا روزی شما فرموده بخورید. [ترجمه انصاریان]

۲۷. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ زَكَا عَمَلَهُ وَ مَنْ حَسَنَتْ يَتِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ عَزْرَ وَ جَلَّ فِي رِزْقِهِ وَ مَنْ حَسَنَ بِرَهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ.»

امام صادق علیه السلام فرمود: ... هر کس با خانواده خود خوش رفتار باشد بر عمرش افزوده می‌شود.

الکافی، ج. ۸، ص ۲۱۹

۲۸. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ذَبِيحَةِ الدَّمِيِّ فَقَالَ لَا تَأْكُلُهُ إِنْ سَمَى وَ إِنْ لَمْ يَسْمَ.

از امام صادق علیه السلام در مورد ذبیحه کافر ذمی سؤال شد. حضرت فرمود: از آن نخور؛ چه بسم الله گفته باشد و چه نگفته باشد.

الکافی، ج. ۶، ص ۲۳۸

مثلاً بنده سؤال می‌کنم: چرا امام علیه السلام فرمود به بخورید تا شجاعت شما ارتقا پیدا کند؟<sup>۲۹</sup> مگر مسئله شجاعت در کجا کارآمدی دارد؟ مسئله شجاعت یک وصفی است که برای بهینه‌شدن روابط انسانی به کار می‌آید. لذا وقتی حضرت می‌خواهند از غذا دفاع کنند، پایه غذا را بهینه‌کردن روابط انسانی قرار می‌دهند. اینها یک روایت و دو روایت نیست که ما از آن بگذریم. وقتی عرض می‌کنم اگر فرصت داشته باشیم، یک دستگاه تحلیلی جدیدی از روایات و آیات به وجود می‌آید، اینها، مثال‌های اولیه‌اش است. اینها را باید محل گفتگو قرار داده و در موردشان بحث کنیم. مثلاً در روایت دارد انار بخورید که انار وسوسه قلب را از بین می‌برد.<sup>۳۰</sup> وسوسه قلب مگر چکار می‌کند؟ منجر می‌شود به اینکه انسان‌ها تصمیم‌های خارج از اعتدال بگیرند و عمده این تصمیمات به ضرر دیگران است. مثلاً در فضای وسوسه، زنا و روابط جنسی غلط بهتر اتفاق می‌افتد؛ در حالی که اگر شما وسوسه را کنترل کنید اینها بهتر کنترل می‌شوند. پس تازه وقتی داریم از غذا صحبت می‌کنیم، پایه اصلی مسئله بهینه‌کردن روابط انسانی است. یک بخش عمده‌اش همین است. این کجا و آن کجا که شما می‌خواهید بر پایه ویتامین‌هایی که در انار هست، از انار دفاع کنید! این کجا و آن که بخواید بر پایه تأثیراتی که به در ترشح آنزیم‌ها می‌گذارد از به دفاع کنید.

لذا آن کاری که ما در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری کردیم و بنده در این بخش عرض می‌کنم این است که ما روابط انسانی و روابط بین مؤمنین را اصل قرار داده و بر اساس آن، یک تفسیر و پایه مفهومی جدیدی از غذا ارائه دادیم؛ و شما نگران تفاهم جهانی آن نباشید. حتی اگر از پایه مفاهیم پایه نتوانیم این را تفاهم کنیم، از پایه تجزیه می‌توانیم این را تفاهم کنیم. یعنی شما می‌توانید مدل‌های تست فراوانی در جهان فراهم کنید، شما مدل تغذیه را دست بزیند تا اخلاق آدم‌ها تغییر کند، آن وقت با جریانی که حاضر نیست با نظام مفاهیم اهل بیت علیهم السلام وارد توصیف عالم بشود با خروجی کار احتجاج کنید. حالا من از این بحث می‌گذرم که اینجا بحث‌های پیچیده‌تری وجود دارد. یا در روایت هست «الإیثارُ تاجُ المَکَارِمِ»، «الإیثارُ أعلی المَکَارِمِ»<sup>۳۱</sup> یعنی وقتی می‌خواهید اوج اسلام را معرفی کنید به ایشار می‌رسید. ایشار هم عامل اصلی تنظیم روابط

۲۹. مُحَمَّدٌ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَكَلُ السَّفْرَجْلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يُذَكِّي الْفُؤَادَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: خوردن به، قلب ضعیف و ناتوان را نیرو می‌بخشد، معده را پاکیزه می‌کند، دل را تزکیه می‌نماید و ترسو را دلیر می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷

۳۰. عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن النهيكي عبد الله بن محمد عن زياد بن مروان القندي قال سمعت أبا الحسن الأول عليه السلام يقول: مَنْ أَكَلَ زُمَانَةَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى الرِّبِيِّ تَوَزَّتْ قَلْبُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، فَإِنْ أَكَلَ زُمَانَتَيْنِ قَتَمَانِينَ يَوْماً، فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثاً قَتَمَانَةً وَعِشْرِينَ يَوْماً وَ طَرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ، وَ مَنْ طَرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَ مَنْ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ أَدَخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس روز جمعه يك انار بخورد، آن انار، دل او را تا چهل صبح، نورانی می‌دارد؛ اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز؛ و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز؛ و نیز وسوسه شیطان از او دور می‌شود و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود، خداوند عز و جل را نافرمانی نمی‌کند و هر کس خداوند را نافرمانی نکند، خداوند او را به بهشت درمی‌آورد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵

۳۱. عن علي ع: الإيثار أعلى المكارم

ایشار، عالی‌ترین خصلت اخلاقی است.

انسانی است؛ یعنی شما مناسک تقدیر را هم که بحث می‌کنید در حوزه روابط انسانی بحث می‌کنید. اگر کسی اینار داشته باشد مناسک تقدیرش تغییر پیدا می‌کند.

### ۳. سؤال سوم: پیشگیری ساختاری از بیماری یا پیشگیری توصیه‌ای؟

حالا از این بحث، بحث دیگری زاید می‌شود و آن اینکه اگر ما عدم سلامت را به اختلال در ساختار رزق برگردانیم و باز - تأکید می‌کنم - ساختار رزق را هم به مناسک رزق و تقدیر برگردانیم، عمده مناسک رزق و تقدیر را هم تنظیم روابط انسانی معرفی کردیم [پیشگیری از اختلال در رزق چه ساختاری پیدا می‌کند؟]

۳/۱. تعریف پیشگیری به محافظت از ساختار رزق؛ و احصای ۹ ساختار رزق در مباحثات فقه هدایت

خب حالا اگر شما بخواهید این معادله را بحث کنید پس اصل در مسئله پیشگیری، این می‌شود که شما از ساختار رزق محافظت کنید. یعنی ساختار رزق ساختار پیشگیری است. به عنوان نمونه اگر بخشی از ساختار رزق، علم است پس توسعه در علم، توسعه در سلامت است. شما هر بُعدی به ساختار رزق می‌دهید می‌توانید همان را به عنوان ساختار پیشگیری عنوان کنید. حالا آن کاری که ما به عنوان یک بحث اولیه انجام داده‌ایم این است که ما نه ساختار پیشگیری - که همه با رزق مرتبط هستند - را احصا کرده‌ایم. اینها همان نه زیرساخت هدایت هستند که بنده همیشه آنها را بحث می‌کنم. مثلاً انتخاب امام که آیا امام، امام نار است یا امام نور؛<sup>۳۲</sup> این، ساختار رزق انسان‌ها را تغییر می‌دهد. انتخاب شغل؛ این، ساختار رزق انسان‌ها را تغییر می‌دهد. مسئله شغل، یکی از زیرساخت‌های هدایت و یکی از زیرساخت‌های رزق است.

۳/۲. بیان همراه با اکرام؛ یکی از نه ساختار رزق

انتخاب بیان [یکی دیگر از زیرساخت‌های رزق است]؛ بعداً روایات اینها را به تفصیل ذکر می‌کنم، نحوه بیان، رزق فرد را تغییر می‌دهد. آیا این بیان مبتهنی بر تکریم است یا مبتهنی بر تملق. برخی افراد، تفاوت میان تکریم و تملق را تشخیص نمی‌دهند. روایت دارد - روایت بسیار عجیبی است - می‌فرماید که «بدون عتاب، در دوستی اختلال ایجاد می‌شود.»<sup>۳۳</sup> یعنی اگر شما در فضای دوستی، عتاب به دوستتان را حذف کردید، در روایت به صراحت می‌فرماید این کار، اختلال به مودت است. ببینید حضرت یک فضای دیگری را به روی ما باز می‌کنند. حالا اگر من فرق تملق و

غیرالحکم، ص ۵۴

۳۲. امام نار و امام نور دو اصطلاحی است که از آیات قرآن کریم اقتباس شده است. اصطلاح اول از سوره مبارکه قصص، آیه ۴۱ و اصطلاح دوم از سوره مبارکه انبیاء، آیه ۷۳

وَجَعَلْنَاهُمْ اٰنَمَةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ / سوره مبارکه قصص، آیه ۴۱

و آنان را [به کيفر طغيانشان] پيشوايانی که دعوت به آتش می‌کنند قرار دادیم، و روز قيامت باری نمی‌شوند. [ترجمه انصاریان]

و وَهَبْنَا لَهُ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صٰلِحِيْنَ\* وَ جَعَلْنَاهُمْ اٰنَمَةً يَهْتَدُونَ بِاَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلٰوةَ وَ اِتٰءَ الزَّكٰوةَ وَ كَانُوا لَنَا عٰبِدِيْنَ / سوره مبارکه انبیاء، آیات ۷۳-۷۲

و اسحاق و يعقوب را به عنوان عطای افزون، به او (ابراهیم) بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قرار دادیم. و آنان را پيشوايانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند. [ترجمه انصاریان]

۳۳. الْعِبَادَةُ حَيَاةُ الْمَوَدَّةِ

امام علی علیه السلام فرمود: سرزنش کردن و گلايه مایه حیات (پایداری) دوستی است.

غیرالحکم، ص ۲۹

اکرام را رعایت نکردم - که اکرام به علاوه عتاب است - اگر این را از بحث‌ها حذف کردم رزقم تغییر می‌کند. یا مثلاً باب روایات فُحش را دیده‌اید اولین ضربه‌ای که فُحش به انسان می‌زند این است که رزق انسان را محدود می‌کند.<sup>۳۴</sup> بیان، یکی از زیرساخت‌های رزق است و اختلال در آن، یعنی اختلال در رزق. یکی از زیرساخت‌های دیگر رزق، عبرت، حدود و تعزیرات است. شما در روایات دیده‌اید، اجرای حدود، توسعه برکت و توسعه رزق را در پی خود می‌آورد<sup>۳۵</sup> و عدم اجرای حدود و تعزیرات، ضیق رزق و ضیق برکت و مبتلا شدن به نکبت است. اینها همه مجموعه‌ای از روایات دارد که بنده در گفتگوهای دیگری، همه این زیرساخت‌ها را بحث کرده‌ام، اما در این جلسه خواستم بگویم ساختار عوامل مؤثر بر رزق در نگاه ما نه مسئله است که به بخشی از آن در اینجا اشاره کردم.

حالا کمی درایه کنم که کاربرد این بحث‌ها چه می‌شود، چون ما الان در حوزه مبانی و معارف بحث می‌کنیم. همین مثال شغل را برای شما بشکافم: حالا ما می‌خواهیم با این سیر مفهومی که عرض کردیم پیشگیری ایجاد کنیم، خوب باید نظام مشاغل کشور را تغییر دهیم. در گام اول هم بایستی نظام مشاغل حوزه تغذیه را تغییر دهیم. بنده نمی‌دانم چرا برخی از دوستان حوزه طب اسلامی که دوستان خوبی هم هستند ادعا می‌کنند که ما قدرت پیشگیری داریم، در حالی که مشاغل ما در حوزه تغذیه، مشاغل صنعتی هستند. یعنی ما غذای مردم را از طریق تولید صنعتی تأمین می‌کنیم. مادامی که غذای مردم به نحو صنعتی تولید می‌شود، اولاً همان بحث حلال و حرام مکرر به چالش کشیده می‌شود.

ما در سال‌های اخیر مکرر اخباری داشته‌ایم مبنی بر اینکه میته را در سوسیس و کالباس یا حتی در اقلام غذایی دیگری استفاده می‌کردند.<sup>۳۶</sup> این را نمی‌شود با نظارت حل کرد بلکه باید مدل تولید را

۳۴. الخسینیُّ بنُّ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ قَالَ قَالَ: «مَنْ فَحَشَ عَلَىٰ أُخِيهِ الْمُسْلِمِ، نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ، وَوَكَّلَهُ إِلَىٰ نَفْسِهِ، وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ.»

هر کس به برادر مسلمانش فحش و ناسزا بگوید، خداوند برکت را از رزق او می‌کند (جدا می‌کند) و او را به خودش وامی‌گذارد، و معیشت و زندگی او را فاسد و خراب می‌کند.

الکافی، ج ۲، ص ۳۲۶

۳۵. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِسْرَاهِيمَ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يُخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قَالَ لَيْسَ يُخِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فَيُخَبِّرُ الْعَدْلَ فَتُخَيَّبُ الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ وَ لِإِقَامَةِ الْحَدِّ فِيهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم که می‌فرماید: «خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند.» حضرت فرمود: منظور آیه این نیست که خداوند به وسیله قطره‌های باران، زمین را زنده می‌کند؛ بلکه مراد این است که خداوند مردانی را مبعوث می‌کند که آنها عدالت را زنده می‌کنند، سپس زمین به خاطر احیای عدالت، زنده می‌شود؛ و اقامه حدود در زمین از چهل روز باران باریدن سودبخش‌تر است.

الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴

البته ناگفته روشن است که خود عتاب کردن نیز شرایطی دارد که عدم رعایت آن و افراط در عتاب نمودن باعث پیامدهایی از قبیل ایجاد دشمنی و از بین رفتن دوستی خواهد شد؛ به عنوان نمونه:

لَا تُكْتَرَنَّ الْعِتَابُ؛ فَإِنَّهُ يُوْرِثُ الضَّغِينَةَ وَيَدْعُو إِلَى الْبَغْضَاءِ

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: زیاد عتاب و سرزنش نکند که باعث ایجاد کینه و دشمنی می‌شود.

بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶

۳۶. سعید آسپایی رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان پردیس با اشاره به کشف کارگاه تولید سوسیس و کالباس غیرمجاز در شهرستان پردیس اظهار داشت: «پیرو دریافت شکایت مردمی تیم مشترکی از کارشناسان بهداشت محیط شبکه بهداشت و درمان و نیروی انتظامی پس از اخذ دستور قضایی و حکم ورود به محل توسط دادستان شهرستان پردیس وارد منزل مسکونی واقع در شهر بومهن شدند.» همچنین وی افزود: «براساس اظهارات صاحب کارگاه تولید سوسیس و کالباس، گوشت‌های استفاده شده در تهیه

۳/۳/۱. عیب اولِ مشاغلِ صنعتی در حوزه غذا به سلامتی انسانها: اختلال در تولید غذای حلال به صورت مکرر تغییر داد. وقتی مدل تولید غیر متمرکز باشد، دیگر اگر کسی بخواهد تخلف کند حداکثر به اعضای خانواده خودش ضرر می‌زند. اما اگر شما مدل تولید را صنعتی کنید کافی است صاحب کارخانه، این قواعد را رعایت نکند، همه آن غذا در همه کشور به چالش کشیده شود. پس این نظام مشاغل در حوزه غذا از حالت صنعتی باید به حالت خانگی و سامانه‌های محلی تغییر پیدا کند. اگر این اتفاق نیافتد پیشگیری محقق نمی‌شود.

۳/۳/۲. عیب دوم: الزام به استفاده از مواد نگه‌دارنده سلامت چیست. این هم مسئله بسیار واضحی است که بنده فکر می‌کنم این را می‌توانیم با دنیای موجود تفاهم کنیم.

۳/۳/۳. عیب سوم: الزام به استفاده از بسته‌بندی عیب سومی که تولید صنعتی غذا دارد این است که به بسته‌بندی نیاز دارد؛ و بسته‌بندی در آلودگی محیط زیست، اصل است و شما از این پایگاه هم سلامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازید. عیب چهارمی که [علاوه بر عیوب سلامتی این نوع از تولید] برای تولید صنعتی برمی‌شماریم این است که قیمت تمام‌شده‌اش نسبت به تولید خانگی بسیار بالاتر است؛ هزینه تبلیغات، هزینه تکنولوژی، هزینه نیروی کار و از این دست هزینه‌ها هم به قیمت تمام‌شده غذا اضافه می‌شود. لذا شما در تولید صنعتی با پدیده غذای گران روبرو هستید؛ در حالی که اگر شما بتوانید غذا را به صورت خانگی و با سامانه‌های محلی تولید کنید، علاوه بر آن اوصاف سه‌گانه‌ای که [در حوزه سلامت این نوع از تولید] عرض کردم غذا ارزان‌تر هم تمام می‌شود. پس وقتی عرض می‌کنم ساختار رزق را در پیشگیری اصل قرار بدهیم یک مثالش همین مسئله شغل است. شما آن موقعی می‌توانید ادعای پیشگیری ساختاری کنید که تلاش کنید نظام مشاغل کشور حداقل در حوزه غذا از [محوریت] سامانه‌های صنعتی به سامانه‌های محلی و تولید خانگی تغییر رویه پیدا کند. اگر ما روی این تمرکز پیدا کنیم به هر درصدی که موفق شویم این کار را محقق کنیم معنای نظام‌سازی می‌دهد و دیگر معنای توصیه و آموزش نمی‌دهد. به دلیل این مزیت‌های ده‌گانه‌ای که تولید خانگی دارد که چهار مورد از آن را گفتم، این حرف، یک حرف قابل تفاهم با همه انبای بشر هم هست. یعنی نیاز نیست طرف مقابل شما مؤمن باشد تا مثلاً متوجه شود که مواد نگهدارنده یا بسته‌بندی غذایی چه چالش‌هایی را ایجاد می‌کند.

۳/۱/۱. احصای نه ساختار پیشگیری در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در مقایسه با سه ساختار معرفی شده از سوی سازمان بهداشت جهانی برای پیشگیری

حالا خود مواد غذایی را هم وقتی رده‌بندی کنیم حداقل می‌توانیم فرایند اصلاح تولید را از اصلاح اقلام چهارگانه شروع کنیم؛ و این را از پایگاه مساجدمان و مجموعه شبکه مؤمنینی که در اختیار داریم پشتیبانی کنیم. پس آرام‌آرام آن نگاه پیشگیری ساختاری دارد در اذهان شکل می‌گیرد. ما در

سوسیس و کالباس از گوشت گراز بوده است.» وی اضافه کرد: «۱۰۰ کیلوگرم از این محصول را معدوم و پرونده برای بررسی‌های بیشتر به دادسرای شهرستان پردیس ارسال شد.»

بالادست یک بحثی را در حوزه تعاریف داریم که اساساً ساختار پیشگیری را چگونه استنباط کنیم که عرض کردم به ساختار رزق برمی‌گردد؛ منتهی بعد که ساختار رزق را استنباط کردیم، در خود هرکدام از این ساختارهای نه‌گانه رزق می‌توانیم یک تصویر جدیدی از حوزه سلامت و پیشگیری ارائه دهیم که قابل فهم باشد. در این جلسه به نمونه شغل آن بسنده کردم؛ و امیدوارم در آن جلسه بتوانم حداقل سه چهار مورد از آنها را بحث کنم. یکی از بحث‌هایی که ما با سازمان ملل اختلاف داریم این است که سازمان ملل می‌گوید ساختار پیشگیری سه چیز است: ۱. حوزه محیط زیست ۲. فعالیت‌های اقتصادی و ۳. فعالیت‌های اجتماعی.<sup>۳۷</sup> یعنی ساختار پیشگیری را به سه حوزه محدود کرده است در حالی که ما ساختار پیشگیری را از سه به نه توسعه دادیم و بحث‌مان هم قابل تفاهم است.

حالا برای اینکه بحث کامل‌تر شود اجازه دهید یکی دیگر از ساختارهای پیشگیری را هم بحث کنم: مثلاً یکی از آن زیرساخت‌های نه‌گانه، تزکیه است. اصل در تزکیه هم خانواده و خانه‌ای است که آن خانواده در آن ساکن هستند. بنابراین ما از موضوعات پیشگیری، اصلاح نظام ساختمان‌سازی و مدیریت شهری را بیرون می‌آوریم. وقتی شما تفاوت‌های ساخت مسکن وسیع در قالب محله و ساخت مسکن در قالب آپارتمان را توضیح می‌دهید، باز در اوج تفاهم با ابنای بشر قرار می‌گیرید. کما اینکه ما قبلاً مباحثه کرده‌ایم که دار و اسعه، قدرت مدیریت بازی و شخصیت‌سازی را برای پدر و مادر توسعه می‌دهد. شما می‌توانید مسئله توسعه مدیریت بازی و شخصیت‌سازی را برای همه مادرها، پایه تفاهم قرار دهید. مسئله محدودیت حریم خصوصی برای خانواده‌ها را می‌توانید پایه تفاهم قرار بدهید، بسیاری از این افرادی که در آپارتمان می‌نشینند، از محدود شدن حریم خصوصی خانواده‌هایشان متأذی هستند. پس از این پایگاه هم می‌توانید تفاهم کنید. اینکه فرمود شرافت خانه به حیاط خانه است؛<sup>۳۸</sup> اولین دسته از ویژگی‌های خانه این است که حیاطش بزرگتر از صحن ساختمانش باشد. به هر حال این همان زیرساخت تولید خانگی ما است. [از دیگر مشکلات این شیوه آپارتمان‌سازی] مسئله نور، مسئله جریان هوا و مسئله اشراف [ساختمان‌های دیگر بر خانه] است؛ اینها مسائلی نیستند که کسی به ما بگوید نمی‌شود اینها را با ابنای بشر تفاهم کنید. بشر

۳۷. سه حوزه پیشگیری در بخش سوم توسعه پایدار:

کتاب سلامت در ۲۰۱۵ (حرکت از MDGs به سوی SDGs)، که سازمان بهداشت جهانی آن را منتشر کرده است در فصل دوم به زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پرداخته است. در فصل دوم کتاب اینچنین آمده است: سلامت در اهداف توسعه پایدار به‌عنوان یک ویژگی کلیدی توسعه انسانی به شیوه‌ای یکپارچه‌تر از اهداف توسعه هزاره در نظر گرفته شده است بر این واقعیت که عوامل «اجتماعی»، «اقتصادی» و «زیست‌محیطی» بر سلامت و بهره‌مندی از جمعیت سالم تأثیر می‌گذارند تأکید می‌کند.

لینک دانلود کتاب از پایگاه اینترنتی سازمان جهانی بهداشت: [yon.ir/Vx2Wb](http://yon.ir/Vx2Wb)

۳۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: «إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَ شَرَفَهَا السَّاعَةُ الْوَأَسَعَةُ وَ الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَ بَرَكَتُهَا جُودَةٌ مَوْضِعُهَا وَ سَعَةُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ حَبْرَانِهَا.»

امام صادق علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمودند: همانا برای خانه شرافتی است و شرافت آن به حیاط وسیع و به هم نشینان صالح آن است. و همانا برای خانه برکتی است و برکت آن به خوب بودن جای آن و وسعت حیاط آن و خوب همسایه‌داری آن است.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

همین الان نبود اینها را حس می‌کند. لذا شما در ساختار پیشگیری از بیماری، از تزکیه شروع می‌کنید مثلاً به طرح دار واسعه که برسید یا به مدیریت شهری محله محور برسید یک توسعه معنایی در مفهوم پیشگیری ایجاد کرده‌اید که قابلیت تفاهم هم دارد. حالا ان شاء الله اگر خدای متعال به بنده عمری داد، همه این‌ها زیرساخت پیشگیری را بحث می‌کنم.

#### ۴. سؤال چهارم: تعریف نسخه به ابزار درمان یا تعریف نسخه به ابزار پیشگیری؟

در نهایت، بحث چهارم مباحثات ما تعریف نسخه است. حالا اگر کسی با این تحلیلی که ما ارائه دادیم بیمار شد، آیا این بیماری اختلال در فرایند متابولیستی است یا اختلال در فرایند رزقش؟ اگر گفتیم اختلال در ساختار رزق است و اختلال در فرایند و ابعاد رزق، این نتیجه را داده است، سؤال این است که آیا طبیب می‌تواند موقعی که با بیمار برخورد می‌کند فقط در کوتاه مدت، یک علاجی برای او بنویسد یا در نسخه باید ریشه‌های ابتلای به این بیماری را هم ذکر کند؟ شما البته ممکن است بگویید خاصیت این کار چیست؟ چون مریض الان دچار اختلال است [و فرصتی نیست که با او از این گفتگوها داشته باشیم]. ما پاسخ می‌دهیم که مؤخرش کنید! یعنی وقتی در مرحله تشخیص هستید این کار را نکنید، بلکه در مرحله بهبودی، این گفتگو را انجام دهید و به او توصیه کنید ساختار رزقش را بهینه کند. لذا شما از پایگاه نسخه می‌توانید در ساختار برنامه‌ریزی مدرنیته، اختلال ایجاد کنید. اگر بخوایم تشبیه کنیم: طبیب در طب اسلامی درمان نمی‌کند، بلکه طبیب تصمیم‌سازی می‌کند. به تعبیر ساده‌تر طبیب، برای یک سبک زندگی بهتر فرهنگ‌سازی می‌کند.

حالا ما این را بعداً در سطوح نسخه بحث می‌کنیم که نسخه، گاه برای بیمار است؛ خوب این معنای [تصمیم‌سازی] در آن، کم‌رنگ‌تر بحث می‌شود ولی گاهی ما جلسات ارزیابی نسخه را می‌گذاریم که این جلسات در واقع، تحلیل‌های اطباء ما است و این را به عنوان یک گزارش هم در کشور منتشر می‌کنیم. ممکن است همه اطباء نسخه ما را بخوانند، و از پایگاه نسخه ما ذهنیت‌شان به چالش کشیده شود. لذا در این نوع دوم نسخه‌هایی که بحث می‌کنیم، ما سالیانه ده نسخه برتر خودمان را با استدلال‌اتش از باب تدریس، از باب فرهنگ‌سازی و از باب تفاهم منتشر می‌کنیم. خود این نسخه‌ها می‌شود همان گزارش‌های تصمیم‌سازی که ما می‌خواهیم با آنها تغییر ذهنیت بدهیم. لذا بنده فکر می‌کنم می‌توانیم نسخه را به ابزار پیشگیری و تصمیم‌سازی ارتقا دهیم، در حالی که نسخه‌ای که الان شما می‌دهید به قول آقاسید بسنده می‌کنید به اینکه به صورت تلفنی یا حتی پیامکی نسخه را بدهید؛ حالا آیا بیماری او خوب بشود یا نشود!

در حالی که همه فامیل درگیرند، اگر شما یک چارچوب جدید برای نسخه‌نویسی را بحث کنید و با آن چارچوب، نسخه‌هایتان را منتشر کنید، حتماً همه فامیل آن نسخه شما را می‌خوانند. [به مریض] می‌گویند نسخه‌ات را بده بخوانم بینم مشکل چیست! آن وقت خود همین نسخه می‌شود ابزار توسعه این دیدگاهی که ما داریم؛ یعنی لازم نیست یک ریال خرج کنیم. معمولاً - حالا این را

۴/۱. لزوم انتشار گزارش‌هایی از برترین نسخه‌های تصمیم‌ساز به غرض تفاهم پیشگیری مدنظر اسلام با جامعه، به عنوان خروجی جلسات ارزیابی نسخه

۴/۲. استفاده از نسخه برای تصمیم‌سازی؛ بهترین ابزار برای ارتقای سطح پیشگیری در جامعه به دلیل توجه ویژه خانواده هر مریض بر روی نسخه بیمار خود



آمار بگیرید - هر نسخه‌ای که نوشته می‌شود بالای بیست نفر از اعضای نزدیک فامیل، آن را مطالعه می‌کنند. چرا از این نسخه استفاده نکنیم برای اینکه ساختار پیشگیری خودمان را تفاهم کنیم؟ و حالا بقیه مباحثاتی که ما در مسئله نسخه داریم [برای جلسات دیگر بماند].

البته این یک جدول و اصطلاحاً یک فرمت مشخصی پیدا می‌کند ولی خود پزشک اصل است؛ ۴/۳. قدرت پیشگیری و لذا این کار باعث می‌شود طبیب ما از طبیب درمانگر که ارتکاز دنیای مدرنیته است به آن طبیبی که در روایات می‌گویند در عرض فقیه و امیر است<sup>۳۹</sup> ارتقا پیدا می‌کند. یعنی آن طبیب مدیر جامعه است ولی این طبیب موجود، قرار است عوارض ایجاد شده توسط یک نظم غلط را خودش به تهایی تحمل کند. حالا به ما در حوزه علمیه قم هم که می‌رسد اصلاً مشروعیت‌مان را زیر سؤال می‌برند! اصلاً فضا، فضای سختی می‌شود. ان‌شاء الله بتوانیم این مباحثات را ادامه دهیم.

عرایضم را جمع کنم: این چهار بخشی که عرض کردم چهار محور نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری بود. محور اول تقاضا می‌کند هزینه‌های مفهومی، آبرویی، وقتی و مالی طراحی یک نظام تدبیر جدید را بپذیریم. محور دوم تعاریف پایه زیست‌شناسی را به چالش می‌کشد؛ حرف ما این است که حیات را نمی‌شود به محوریت همه متغیرهایی که خدا خلق کرده است تحلیل کرد که اینها نامش را سلول، مولکول، ژن، کروموزوم و سایر تقسیمات‌شان می‌گذارند. حیات را باید به محوریت متغیرهای اصلی‌ای که خدا برای توصیف حیات معرفی کرده بحث کرد که ذیل کلمه رزق می‌توانیم این را بحث کنیم. حرف سوم این است که مسئله پیشگیری را از پیشگیری توصیه‌ای - مثل همین توصیه‌های آقایان اطباء اسلامی به مردم که می‌گویند ارقام اصلی غذایی زندگی‌تان را اصلاح کنید - به پیشگیری ساختاری ارتقا دهیم و در مسئله پیشگیری ساختاری حتماً باید تعریف WHO را به چالش بکشیم؛ ما نمی‌توانیم ساختار پیشگیری ساختاری را سه بخش بدانیم بلکه باید لااقل نه بخش را بحث کنیم که مثال شغل و مثال ترکیه را مطرح کردم. در نهایت هم باید تعریف مسئله نسخه را از ابزار درمان به ابزار پیشگیری ارتقا دهیم.

و الحمد لله رب العالمین

۳۹. قال الصادق ع: لا یستغنی أهل کُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثٍ یَفْرَعُ إِلَیْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدَمُوا ذَلِكَ کَانُوا هَمَجًا: فقیه عالم و رِع، و امیر خیر مَطَاع، و طبیب بصیر یَقَّة. امام صادق علیه السلام فرمود: مردم هیچ آبادی‌ای از سه گروه، بی‌نیاز نیستند که در کار دنیا و آخرت خویش به ایشان پناه برند و چون آنان را نداشته باشند، شوربخت باشند: فقیه دانا و پرهیزگار، امیر نیکوکار و فرمان‌روا، و طبیب با بصیرت و مورد اعتماد.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۲۱

مصدر فرعی: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۵

### پيوست شماره ۱: گزارشات سازمان بهداشت جهاني پيرامون عوارض دارويي

ADR (Adverse Drug Reaction) يا همان عوارض ناخواسته دارويي به گزارشات عوارض دارويي گفته مي شود كه در کشور ما اين گزارشات به صورت پياپي انتشار مي يابد.

در اين باره مطلبي از پايگاه رسمي سازمان غذا و داروي ايران مي خوانيم:

گروه ثبت و گزارش ايمني و عوارض ناخواسته فرآورده هاي سلامت (ADR)، به عنوان تنها مرکز ملي در سطح کشور به جمع آوري، بررسي و ثبت گزارش هاي عوارض دارويي و اشتباهات داروپزشكي مشاهده شده توسط جامعه محترم پزشكي مي پردازد. اين مجموعه از سال ۱۳۷۷، تحت عنوان "مرکز ثبت و بررسي عوارض ناخواسته داروها" به عنوان عضو کامل سازمان جهاني بهداشت در برنامه بين المللي پايش فرآورده هاي دارويي پذيرفته شده است و از آن زمان تاکنون با سازمان مذکور و ساير کشورهای عضو به تبادل اطلاعات در زمينه عوارض دارويي و اشتباهات داروپزشكي مي پردازد. هدف از بررسي عوارض دارويي و اشتباهات داروپزشكي دريافت شده، کاهش مرگ و مير ناشي از عوارض دارويي و اشتباهات داروپزشكي و پيشگيري از وقوع آنها مي باشد. در بهمن ماه سال ۱۳۸۵، دستورالعمل ثبت عوارض و خطاهای دارويي از سوی معاونت محترم غذا و دارو با تائيد وزير محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشكي به كلييه دانشگاههاي علوم پزشكي و مراکز بهداشتي درمانی دولتي و خصوصي سراسر کشور ابلاغ گرديد و كلييه مراکز ذيربط ملزم به گزارش عوارض و اشتباهات داروپزشكي مشاهده شده به اين گروه گرديدند. هم چنين در سال ۱۳۸۴ بنا بر رای کميسیون قانوني ساخت و ورود داروها، شرکتهای داروسازی موظف به ارسال گزارشهای مربوط به ايمني فرآورده های خود به گروه ADR شده اند كه اين مطلب مجدداً در ماده ۱۰ دستورالعمل فوق الذکر مورد تاكيد قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۶، بدليل اهميت توجه به ايمني مصرف ساير فرآورده های سلامت به غير از دارو و با هدف ارتقاء سيستم پايش تجويز و مصرف ساير فرآورده های سلامت در کنار فرآورده های دارويي، نام اين مجموعه به "گروه ثبت و گزارش ايمني و عوارض ناخواسته فرآورده های سلامت" تغيير يافته است.

آدرس مطلب در پايگاه رسمي سازمان غذا و داروي ايران: [yon.ir/B٦٥A٨](http://yon.ir/B٦٥A٨)

و همچنين صفحه اختصاصي ADR در پايگاه رسمي WHO:

[yon.ir/izegD](http://yon.ir/izegD)

و سايت نظارت بين المللي دارو (وابسته به WHO) كه به صورت دوره ای گزارشات مبنی بر امنيت و سلامت دارو تحت عنوان Uppsala Reports منتشر مي كند:

[who-umc.org](http://who-umc.org)

برای مشاهده برخی از گزارش های ADR در ايران مي توان به اين آدرس رجوع کرد:

[yon.ir/DvHdNm](http://yon.ir/DvHdNm)

برای مشاهده گزارش های ADR در کشورهای اروپايي به اين آدرس رجوع كنيد:

[adrreports.eu/en](http://adrreports.eu/en)

ICD (International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems) يا همان طبقه بندي بين المللي آماری بیماری ها و مشکلات تدرستي مرتبط از ديگر بخش های سازمان بهداشت جهاني (WHO) است كه به صورت دوره ای بازنگري و انتشار مي يابد. در بخشي از ICD به موضوع مضرات دارويي Adverse Drug پرداخته مي شود به عنوان مثال مي توان به اين نمونه رجوع کرد:

پايگاه رسمي WHO : [yon.ir/ySebp](http://yon.ir/ySebp)

مشاهده تمام ICD ها در پايگاه رسمي WHO : [who.int/classifications/en](http://who.int/classifications/en)

### پیوست شماره ۲: آیات و روایاتی پیرامون معرفی "ظلم به خود" (گناه)، به عنوان منشأ ایجاد بیماری

در این پیوست، به دو دسته مطلب اشاره شده است: اولاً سه آیه از آیات قرآن با این مضمون که گناه و عصیان خدای متعال، نوعی ظلم به شمار رفته و گنهکار، ظالم به خودش است و ثانیاً روایاتی که تأکید می‌کنند نفس گناه‌گردد می‌تواند علت بیمار شدن افراد باشد.

وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَا يَلْحَقْهُ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ / سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۳۵

و آن کسان که چون مرتکب کاری زشت شوند یا به خود ستمی کنند، خدا را یاد می‌کنند و برای گناهان خویش آمرزش می‌خواهند و کیست جز خدا که گناهان را بیمارزد؟ و چون به زشتی گناه آگاهند در آنچه می‌کردند پای نشمارند. [ترجمه انصاریان]

وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا / سوره مبارکه نساء، آیه ۱۱۰  
و هر کس کار زشتی کند یا بر خود ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسیار آمرزنده و مهربان خواهد یافت. [ترجمه انصاریان]

قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ / سوره مبارکه اعراف، آیه ۲۳  
[آدم و حوا] گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: « حَمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ لَمْ تَظْهَرَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَ الْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا... ».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پنج چیز است که اگر به آنها برخورد کردید از آنها به خدا پناه برید: ۱. هرگز در مردمی زنا پیدا نشود که آن را آشکارا کنند جز اینکه در ایشان طاعون و دردهائی که در گذشتگان آنها سابقه نداشته پدیدار گردد...

الکافی، ج ۲، ص ۳۷۳

وَ قَالَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ: « كَلَّمَا أَحَدَتِ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ. »  
موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هر زمانی که مردم گناهان جدیدی که قبلاً انجام نمی‌دادند انجام دهند، خداوند نیز بلاهای جدیدی را برای آنها ایجاد می‌کند که اصلاً فکرش را نمی‌کردند!

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: « قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ كُلَّ حَاطِيَّةٍ عَمِلَهَا إِمَّا بِسُقْمٍ فِي جَسَدِهِ وَ إِمَّا بِضَيْقٍ فِي رِزْقِهِ وَ إِمَّا بِخَوْفٍ فِي دُنْيَاهُ... »

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عزوجل می‌فرماید به عزت و جلالم سوگند بنده‌ای را که بخواهم مورد رحمت خودم قرار دهم، او را از دنیا بیرون نبرم تا اینکه هر گناهی کرده است (عوضش را) یا به وسیله بیماری در بدنش، یا به تنگی در روزیش، یا با ترس و هراس در دنیایش از او استیفاء کنم...

الکافی، ج ۲، ص ۴۴۴

**پیوست رجالی پیرامون روایت شریف: «أَنَّهُ لَا مَانِعَ وَلَا مُعْطَىٰ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قَسِمَ لَهُ»**

شرح سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری نسبت به حدیث مذکور بر اساس دو مبنای مشهور و تکاملی در ذیل می‌آید:

الف) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای مشهور

در صورت پاسخ به سؤالات شش‌گانه زیر می‌توان به موثوق‌الصدور بودن روایت بر اساس مبنای مشهور رجالیون، اطمینان حاصل کرد.

### سؤال اول - مصدر روایت چیست؟

این حدیث شریف در یک مصدر «مصباح الشریعه» ذکر شده است.

**سؤال دوم - آیا حدیث مسند است؟ اگر آری، به ترتیب سلسله سند را نوشته و اتصال طبقات روات را از حیث امکان ارتباط بین آنها بحث کنید.**

روایت موجود در کتاب مصباح الشریعه به صورت مرسل روایت شده است.

البته مرحوم مجلسی اول رحمته گزارش وجود نسخه‌ای مسند از کتاب مصباح الشریعه را که به صورت [ظاهراً:] اجازه و نه وجاده در نزد بزرگانی چون شهید ثانی رحمته وجود داشته، مطرح می‌کنند.

**سؤال سوم - روایت از لحاظ اتصال و منزلت راویان دچار چه نوع مشکلاتی است؟ آیا با قرائنی می‌توان ضعف سند را جبران نمود؟ اگر در موردی قرائن اطمینان‌آور وجود داشته باشد، آن را ذکر نمایید.**

روایت شریف از لحاظ اتصال یا ارسال، «مرسل» است. و در اصل انتساب کتاب مصباح الشریعه چه به صورت ارسال یا اسناد به امام صادق علیه السلام هم اختلاف است.

چند قرینه بر احراز صدور روایت با وجود ضعف سند دلالت می‌کند؛ مانند: «تکرار مضمون روایت شریف در روایات قطعی‌الصدور» [۱]، «شهادت شهید ثانی رحمته به صدور روایت از معصوم» [۳]؛ با اینکه در مبنای رجالی خود سخت‌گیر بوده و همچنین معتقد به این است که پس از احراز صدور می‌توان به «قال المعصوم» تعبیر کرد و در غیر این صورت با عباراتی مثل «رُوی» یا ... باید تعبیر نمود [۴] ولی با این حال از انتساب قطعی کتاب مصباح الشریعه و [ظاهراً:] به صورت مسند خبر می‌دهد. [۵] در روایات اهل تسنن نیز این حدیث نقل شده است که خود مؤیدی بر قول مرحوم فتال بر شهرت حدیث دارد. [۶] البته بعضی از بزرگان چون علامه مجلسی ثانی رحمته و شیخ حر عاملی رحمته درباره کتاب مصباح الشریعه مناقشاتی دارند؛ ولی امثال مرحوم محدث نوری رحمته به اعتبار کتاب مصباح الشریعه معتقد بوده و بر آن پافشاری کرده و بسیاری از شبهات را نیز پاسخ گفته‌اند [۷]

[۱] مضمون روایت شریف: تمام دارایی‌های انسان جزو رزق‌هایی است که حق تعالی برای وی مقدر فرموده است.

موارد تکرار مضمون این روایت در روایات دیگر:

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قَامَ آخِرَ اللَّيْلِ يَرْفَعُ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمِعَ أَهْلَ الدَّارِ وَيَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطْلَعِ وَ وَسَّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمُضْجَعِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

از عبد الرحمن بن حجاج که گفت: هر گاه امام صادق علیه السلام در پایان شب بر می‌خواست آواز بر می‌آورد تا اهل خانه همه می‌شنیدند و می‌فرمود: بار خدایا، مرا بر هراس سرکشی به آخرت یاری کن، و تنگی آرامگاه را بر من گشایش ده، و به من روزی کن خیر پیش از مردن و خیر پس از مردن را. [ترجمه کمره‌ای]

الکافی ج ۲ ص ۵۳۹

۲- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مَصَاحِبَتِهِ، وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِأَتْكَافِ جَرِيْرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيْرَةٍ أَوْ كَبِيْرَةٍ.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و روزی ما چنان کن که امروز را مصاحبی شایسته باشیم و ما را از آن نگاه‌دار که ترکش گوئیم در حالی که مرتکب گناهی کوچک یا بزرگ شده باشیم. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۵۰

۳- اَرْزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ.

نعمت انابت نصیب من کن. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۸۴

۴- اَرْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ.

در قیامت رستگاری را نصیب من فرمای و از آتش دوزخم در امان دار. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۹۸

۵- جَابِرٌ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: رَجُلَيْنِ [رَجُلَانِ] فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ: رَجُلٌ مُسْلِمٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا لَا يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَ رَجُلٌ فَكِيرٌ يَقُولُ: اللَّهُمَّ! لَوْ شِئْتَ رَزَقْتَنِي مَا رَزَقْتَ أَخِي، فَأَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَتِكَ، فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. وَ رَجُلٌ كَافِرٌ رَزِقَ مَا لَا يَعْمَلُ فِيهِ بِعِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ! لَوْ كَانَ لِي مَالٌ مِثْلُ مَالِ فَلَانٍ، عَمِلْتُ فِيهِ بِمِثْلِ مَا عَمِلَ فَلَانٌ، فَلَهُ مِثْلُ إِثْمِهِ.

اصول الستة عشر، ص ۲۲۹

۶- الْمَحَامِلِيُّ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي الْمَعِيشَةِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ.

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی خداوند نسبت به خانواده‌ای اراده خیر و سعادت نماید، راحتی و مدارای زندگی و اخلاق نیک روزیشان گردان. [ترجمه صالحی]

کتاب الزهد ص ۲۷

۷- وَ جَعَلَ لِكُلِّ زَوْجٍ مِنْهُمْ قُوْتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادِهِ نَاقِصٌ، وَ لَا يَزِيدُ مِنْ نَقْصِ مَنْهُمْ زَائِدٌ.

هر زنده جانی را از رزق مقسوم خویش توشه‌ای معلوم نهاد؛ آن سان که کس نتواند از آن که افزونش داده، اندکی بکاهد و بر آن که اندکش عنایت کرده، چیزی بیفزاید. [ترجمه آیتی]

صحیفه سجادیه ص ۲۸

[۳] مرحوم مجلسی اول هم اولاً قائل به صحت سند و متن این کتاب است و ثانیاً راوی آن را شهید ثانی با سند [ظاهراً]: متصل به امام صادق علیه السلام می‌داند. عبارت ایشان به این شرح است: مرحوم مجلسی اول علیه السلام در بیانی هم نظر خود و هم نظر شهید ثانی علیه السلام را درباره روایت بیان می‌دارند؛ آنجا که می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِكِتَابِ مِصْبَاحِ الشَّرِيعَةِ رَوَاهُ الشَّهِيدُ الثَّانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِأَسَانِيدِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنَّهُ يُدُلُّ عَلَى صِحَّتِهِ»

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۱۳ ص ۲۰۱

شهید ثانی علیه السلام در کتب خود احادیثی نقل می‌فرمایند که تنها در مصباح الشریعة موجود است؛ برای نمونه می‌فرماید: «فَصَلِّ ... قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبَلَاءُ زَيْنُ الْمُؤْمِنِ وَ كِرَامَةٌ لِمَنْ عَقَلَ لِأَنَّ فِي مُبَاشَرَتِهِ وَ الصَّبْرِ عَلَيْهِ وَ الثَّبَاتِ عِنْدَهُ تَصْحِيحٌ [تَصْحِيحًا] بِسُنَّةِ الْإِيمَانِ ... وَ هَذَا الْفَصْلُ كُلُّهُ مِنْ كَلَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، ص ۵۳ / موارد مشابه: منية المرید ص ۱۷۱ / التنبيهات العلية على وظائف الصلاة القلبية ص ۱۱۴

[۴] شهید ثانی علیه السلام در کتاب رجالی خود بیان می‌دارند که نباید در صورت عدم اطمینان از انتساب کتابی به نویسنده‌ای، از تعبیری مثل «قال فلان» استفاده کرد:

(و إذا نقل من نسخة موثوق بها) في الصحة، بأن قابلها هو أو ثقة على وجه وثق بها (لمصنّف) من العلماء، (قال فيه) أي في نقله من تلك النسخة: «(قال فلان)» يعني ذلك المصنّف، (و إلا) يثق بالنسخة قال: «(بلغني) عن فلان أنه ذكر كذا وكذا» و «وجدت في نسخة من الكتاب الفلاني» و ما أشبه ذلك من العبارات. و قد تسامح أكثر الناس في هذا الزمان بإطلاق اللفظ الجازم في ذلك من غير تحرّز و تثبّت؛ فيطالع أحدهم كتاباً منسوباً إلى مصنّف معيّن، و ينقل منه عنه من غير أن يثق بصحة النسخة، قائلًا: «(قال فلان كذا)» و «(ذكر فلان كذا)». و ليس بجيّد، بل الصواب ما فصلناه.

الرعاية لحال البداية في علم الدراية (موجود در کتاب «رسائل في دراية الحديث» ص ۲۵۸)

[۵] وقتی خود ایشان با ساختار «قال الصادق عليه السلام» از کتاب مصباح الشریعة نقل حدیث می‌فرمایند، دلالت بر قطعیت انتساب نزد ایشان دارد، زیرا خود ایشان در کتاب رجالی خود این نوع تعبیر را نشان از احراز انتساب کتاب به شخص «منسوب الیه» می‌داند. همچنین بنا بر نقل علامه مجلسی اول ایشان این کتاب را مسنداً روایت می‌کنند.

[۶] مرحوم مجلسی دوم با وجود مبنای متعادل و غیر افراطی که درباره پذیرش روایات دارند، این کتاب را به دلیل مضامین مخالف با مکتب اهل بیت علیهم السلام و تفاوت مضامین روایات آن با دیگر روایات، نمی‌پذیرند و آن را از منابع کتاب خود یعنی «بحار الانوار» قرار نمی‌دهند.

بحار الانوار - الفصل الثانی فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة و اختلافها فی ذلك، ج ۱ ص ۳۲

[۷] مرحوم حرّ عاملی هم بر عدم انتساب آن به امام صادق عليه السلام هم نظر مجلسی دوم است؛ اما محدث نوری با نقل نظرات موافق بزرگانی چون سید بن طاووس، شهید ثانی، ابن ابی جمهوری احسابی و همچنین طرح استدلالاتی، قائل به انتساب این کتاب به امام صادق عليه السلام است.

مستدرک الوسائل، الخاتمة ج ۱ ص ۱۹۴-۲۱۶

## سؤال چهارم - نوع قرینه جابر ضعف را بحث کنید و حیث قرینه بودن آن را آشکار نمایید.

### ۱- تکرار مضمون روایت در روایات قطعی الصدور

مستند این قرینه اولاً روایت شریفه صحیح‌السند زیر و ثانیاً نفی احتمال داعی جعل است؛ زیرا نتیجه جعل جعل تخریب فرآیند هدایت الهی خواهد بود که جاعل یا به غرض نابودی دین و یا برای کسب شأن و منزلت راوی بودن برای خود دست به جعل می‌زند و وقتی مضمونی در آیات یا احادیث قطعی الصدور تکرار می‌شود، فرض مخرب بودن نسبت به فرآیند هدایت الهی از بین می‌رود لذا مضمون حدیث را فارغ از الفاظ آن می‌توانیم با جدیت به دین و معصوم نسبت دهیم.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قُلُوبٍ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ بُنْدَارٍ الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ... قَالَ حَدَّثَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثًا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ وَ السُّنَّةَ أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثِنَا الْمُتَقَدِّمَةِ ... وَ قَالَ يُونُسُ ... قَالَ [أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عليه السلام] لِي: فَلَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا خِلَافَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدِيثًا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُوَافَقَةِ السُّنَّةِ إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ، وَ لَا نَقُولُ قَالِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ فَيَتَنَاقِضُ كَلَامَنَا إِنْ - كَلَامِ آخِرِنَا مِثْلَ كَلَامِ أَوَّلِنَا وَ كَلَامِ أَوَّلِنَا مُضَادِقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا، فَإِذَا أَتَاكُمْ مَنْ يُحَدِّثُكُمْ بِخِلَافِ ذَلِكَ فَرُدُّوهُ عَلَيْهِ وَ قُولُوا أَنْتَ أَعْلَمُ وَ مَا جِئْتَ بِهِ! فَإِنَّ مَعَ كُلِّ قَوْلٍ مِنَّا حَقِيقَةً وَ عَلَيْهِ نُورٌ، فَمَا لَا حَقِيقَةَ مَعَهُ وَ لَا نُورَ عَلَيْهِ فَذَلِكَ مِنْ قَوْلِ الشَّيْطَانِ.

یونس بن عبد الرحمن از هشام بن الحکم نقل می‌کند که حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: حدیثی را منتسب به ما قبول نکنید مگر آنکه موافق قرآن کریم و سنت باشد؛ چرا که ما از خدا و رسول خدا حدیث نقل می‌کنیم و نمی‌گوییم فلانی و فلانی [اینطور] می‌گویند لذا سخنانمان با یکدیگر متناقض نمی‌شود. همانا کلام آخر ما [اهل بیت علیهم السلام] مانند کلام اول ما [اهل بیت علیهم السلام] است و کلام اول ما [اهل بیت علیهم السلام] کلام آخر ما [اهل بیت علیهم السلام] را تأیید می‌کند. اگر کسی بر خلاف قاعده‌ای که گفتیم برایتان حدیثی آورد، آن را به خود او بازگردانید و بگویید تو به [عملکرد خودت] و حدیثی که نقل می‌کنی، آگاه‌تر از ما هستی [و ما نه نقل تو را می‌پذیریم و نه انکار می‌کنیم]. پس به درستی همراه هر کلامی از ما حقیقتی وجود داشت و نوری بر آن [نمایان] است و اگر کلامی همراه با حقیقتی نبود و نوری بر آن [نمایان] نبود، آن از کلام شیطان است.

رجال الکشی، ص ۲۲۴-۲۲۵

### ۲- شهادت مرحوم قتال رضی الله عنه بر بی‌نیازی احادیث کتاب خود از آوردن اسناد به دلیل شهرت آنها

با توجه به وثاقت ایشان در نقل روایات و شهادت ایشان مبنی بر نقل احادیث مشهوره و بی‌نیازی احادیث کتابش از ذکر اسناد، می‌توان نقل روایت در این کتاب را مؤید وثوق به صدور دانست. از طرفی نقل این حدیث در کتب اهل تسنن با طرق متعدد نیز مؤید قول مرحوم قتال رضی الله عنه است.

### ۳- شهادت شهید ثانی رضی الله عنه به صدور روایت از معصوم

شرح آن در سؤال سوم موجود است.

### سؤال پنجم - آیا این حدیث را می‌توان با استفاده از این قرائن تصحیح کرد؟

تجمیع سه قرینه مذکور - مخصوصاً قرینه اول - با قاطعیت انتساب مضمون مذکور به معصوم را تأیید و با اطمینان بسیار بالایی صدور الفاظ آن را از معصوم حاصل می‌کند.

### سؤال ششم - آیا این حدیث را می‌توان با استفاده از قرینه «ایفای نقش در فرآیند هدایت» نیز تصحیح کرد؟

مجموعه نیازهای انسان از جمله موارد غیر قابل انکار فطرت انسانی است؛ دین به عنوان مجموعه پاسخ‌های حضرت حق تعالی برای بهترین پاسخ به نیازهای فطرت است. بر اساس مبنای اسلام همه اتفاقات عالم در ذیل مشیت مطلقه پروردگار قرار دارد. بر این مشیت مطلقه، حکمت، حاکم است. خدای متعال نیاز تمام مخلوقات خود را بر اساس قواعدی که قرار داده، تأمین می‌نماید. حال سؤالی که پیش می‌آید این است که خدای متعال قواعد حاکم بر تخصیص عطایای خود به موجودات را بر اساس چه اصطلاحاتی تبیین و توضیح داده است؟ با تتبع در آیات و روایات مشاهده می‌کنیم این مسئله فی الجمله ذیل اصطلاح «رزق» توضیح داده شده است. حال برای فهمیدن دقیق این مفهوم و نحوه ارتباط آن با مفاهیم و اصطلاحات دیگری مثل «تقدیرات» لازم است حدود و ثغور این اصطلاح (یعنی تحلیل «رزق») روشن شود و این مهم نیز بر عهده شارع مقدس است. حال با توجه به لزوم وصول مقدمات هدایت به مکلفین، می‌توان این حدیث شریف را که در مقام تحلیل رزق است، با قرینه «ایفای نقش در فرآیند هدایت» به احراز صدور آن وثوق پیدا کرد.

(ب) سؤالات مرتبط با احراز وثوق صدور بر مبنای تکاملی

### سؤال اول: مصدر حدیث چیست؟

اولین نکته‌ای که در مورد حدیث فوق و به طور کلی در بررسی احادیث باید مورد بحث قرار گیرد، مصدری است که حدیث، در آن مصدر، روایت و ذکر شده است؛ معنای مصدر نیز قدیمی‌ترین منبع حدیثی است که روایت شریف در آن ضبط شده است. با تتبع در کتب حدیثی و روایی مشخص گردید که فقره فوق، در «مصباح الشریعه» ذکر شده است.

### سؤال دوم: جایگاه سند در اتکای به اشراف چیست؟

در سؤال دوم در مورد یک حدیث باید به طور کلی به تبیین جایگاه سند در اتکا به اشراف بحث کرد؛ در واقع باید مشخص کرد که سند چه نقشی در رساندن علم متکی به اشراف - حدیث معصوم ع - به ما دارد؟ در واقع در این بخش، تعریف جدیدی از سند ارائه می‌گردد که محور آن، مسئله هدایت ابناء بشر توسط معصوم ع است و سند به عنوان یکی از ابزارهای معصوم ع برای مدیریت امر هدایت در عالم تعریف می‌شود، نه به عنوان ابزاری که ما برای رسیدن به معصوم ع از آن استفاده می‌کنیم.

برای درک نکته فوق باید دقت کرد که معصوم ع - که حدیث از او صادر می‌شود - در تمام شئون و حالات خود مترصد امر هدایت جامعه بوده و در حال جریان دادن امر بسیار مهم هدایت در جامعه است. حال امام معصوم ع برای جریان دادن هدایت در جامعه از ساختارها و راه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یکی از این ساختارها، جاری کردن هدایت در جامعه از طریق یک فرد مؤمن است که در واقع این فرد مؤمن، همان سند است. در واقع سند یک روایت، ابزاری برای رسیدن ما به معصوم ع نیست؛ بلکه سند، فرد مؤمنی است که معصوم ع از آن برای جاری کردن هدایت در جامعه و هدایت انسان‌ها بهره می‌برد و در حقیقت بزرگترین لطف و رحمتی که شامل حال یک فرد مؤمن می‌شود نیز همین موضوع است که خدای متعال و معصوم ع او را به عنوان یار خود قرار داده و امر خود را از طریق او در جامعه جاری و ساری کنند، بزرگ‌ترین نعمتی که خدای متعال به یک فرد می‌دهد لزوماً داخل کردن او در بهشت نیست، بلکه بزرگترین نعمت برای یک فرد مؤمن قرار گرفتن او در طریق هدایت و رساندن هدایت از طریق او به جامعه است. بنابراین سند یعنی فرد مؤمن انتخاب شده توسط معصوم ع یکی از راه‌هایی است که معصوم ع از طریق آن، علم مبتنی بر اشراف خود را در جامعه جریان داده و جامعه را هدایت می‌کند.

### سؤال سوم: ساختار اتکا به اشراف به صورت استظهاری چیست؟

نکته‌ای که در سؤال سوم باید مورد دقت قرار گیرد این است که معصوم ع به عنوان مدیر هدایت در عالم، امر هدایت را تنها از طریق سند - فرد مؤمن انتخاب شده - در عالم جریان نمی‌دهد، بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که افراد جامعه در زمان غیبت معصوم ع نیز می‌توانند از آن

طريق هدايت را دريافت نموده و در جامعه جريان دهند، زيرا معصوم عليه السلام همواره حي و زنده بوده و مجري امر هدايت در عالم است و اين امر را با ساختارهاي مختلفی در جامعه جريان مي دهد که سند يکي از آن هاست. در ادامه به بررسي استظهاری چند مورد از ساختارها و راه های اتکا به اشراف -ساختارهایی که معصوم عليه السلام امر هدايت را در جامعه جاری می کند- می پردازيم. ضمناً هرگز خروجی ساختار اتکا به اشراف نباید با استظهار از آیات و روایات در تعارض باشد.

**الف) زیارت:** یکی از راه های که افراد می توانند از طریق آن امر هدايت و علم مبتنی بر اشراف را از معصوم عليه السلام تلقی کنند، زیارت معصومین عليهم السلام است که به دليل زنده بودن هميشگی معصومین عليهم السلام، زیارت منحصر به حضور و ظهور امام نمی باشد، بلکه می توان از طریق زیارت قبور ائمه نیز به علم مبتنی بر اشراف دست یافت و هدايت را از معصوم عليه السلام تلقی نموده و توفیق حضور در طريق هدايت و یاری امام معصوم عليه السلام را به دست آورد. دليل استظهاری این مطلب نیز روایت شریف امام حسين عليه السلام است که می فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَغْدَمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ قَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَ أَحَا مُسْتَفَادًا وَ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ»؛ هر کس به نزد ما آید هیچ یک از این چهار خصلت را از دست نمی دهد ۱. نشانه های محکم و استوار (که همان علم است) می شود ۲. از قضاوتی عادلانه برخوردار می گردد ۳. با برادری سودمند و پرفایده روبرو خواهد شد ۴. اجر و پاداش مصاحبت و هم نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد.

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۵

**ب) نیت:** امر دومی که تأثیر بسیار زیادی در قرار گرفتن انسان به عنوان مجرای هدايت دارد، نیتی است که انسان ها در فؤاد و قلب خود دارند. در واقع نیت اصلی ترین مسئله ای است که موجب توفیق نصرت امام عليه السلام می گردد؛ اگر فرد شبانه روز نیت نصرت امام عليه السلام را داشته باشد و واقعاً شوق به این کار را در سینه داشته باشد، امام معصوم عليه السلام او را مجرای هدايت قرار داده و از طريق او هدايت را در جامعه جريان می دهد. اما اگر فرد در پی نصرت امام عليه السلام نباشد، حتی اگر قرآن نیز بخواند، لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ قرآن خواندن نیز نه تنها به هدايت او نمی افزاید بلکه موجب گمراهی بیشتر او می گردد.

اهمیت مسئله نیت در توفیق نصرت امام عليه السلام را می توان از روایت شریف امام صادق عليه السلام به دست آورد که فرمودند: «عَلَى بِنِ إِسْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلْتِهِ يَغْنِي عَنِّي»

الكافي، ج ۲، ص ۱۶

عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنِ الْمُتَنِّي الْحَنَاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ  
امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس نیتش نیکو شود، خدا بر رزق او می افزاید.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۱

قال اميرالمؤمنين عليه السلام: فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا تَجَبَّيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ فَأَقْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَأَبَشْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَ شَكَّوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَ اسْتَعْنَيْتَهُ عَلَى أُمُورِكَ وَ سَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يَفْقِدُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْإِعْآءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَ اسْتَمْطَرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ فَلَا [يُفْطِنُكَ] [يُفْطِنُكَ] [إِبْطَاءُ إِجَابَتِهِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ وَ زَيْمًا أَخْرَبَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَغْظَمَ لِأَجْرِ السَّأْلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْإِهْلِ وَ زَيْمًا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا [تُعْطَاهُ] نُؤْتَاةً وَ أَوْتَيْتَ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ أَجَلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرَبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أَوْتَيْتَهُ فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يَبْقَى عَنْكَ وَبِأَلْهٍ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَ لَا يَبْقَى لَهُ

هر گاه او را بخوانی صدایت را بشنود، چون با او به راز و نیاز برخیزی رازت را بداند، پس نیاز به سوی او می بری، و راز دل با او در میان می گذاری، از ناراحتی هایت به او شکایت می بری، و چاره گرفتاری هایت را از او می خواهی، بر امور از حضرتش یاری می طلبی، از خزائن رحمتش چیزهایی را می خواهی که غیر او را بر عطا کردنش قدرت نیست، از قبیل زیاد شدن عمرها، سلامت بدنها، و گشایش روزیها. خداوند کلیدهای خزائن خود را در اختیار تو گذاشته به دلیل آنکه به تو اجازه درخواست از خودش را داده، پس هر گاه بخواهی می توانی درهای نعمتش را با دعا باز کنی، و باران رحمتش را بخواهی. پس تأخیر در اجابت دعا ناامیدت نکند، زیرا عطا و بخشش به اندازه نیت است. چه بسا که اجابت دعایت به تأخیر افتد تا پاداش دعا کننده بیشتر، و عطای امیدوار فراوان تر گردد. و چه بسا چیزی را بخواهی و به تو داده نشود ولی بهتر از آن در دنیا یا آخرت به تو عنایت



گردد، یا به خاطر برنامه نیکوتری این دعایت مستجاب نشود. و چه بسا چیزی را می‌خواهی که اگر اجابت گردد دینت را تباہ کند. روی این حساب باید چیزی را بطلبی که زیباییش برای تو برقرار، و وبالش از تو برکنار باشد، که ثروت برای تو باقی نیست و تو هم برای آن باقی نخواهی بود.

نهج البلاغة (للصحي صالح)، ص ۴۰۰

کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام الی محمد بن ابی بکر: **إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُعْظِمَ رَغْبَتَكَ فِي الْخَيْرِ وَ تُحْسِنَ فِيهِ نَيْتَكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ نَيْتِهِ إِذَا أَحَبَّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ كَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كَمَنْ فَعَلَهُ.**

اگر توانی به خیر دل بستگی بسیار داشته باشی و به نیت پاک بدان پردازی، چنان کن زیرا خداوند، هر گاه بنده‌اش دوستدار نیکی و نکوکاران باشد، به اندازه نیت (و قصد) آن بنده به او اعطا فرماید و اگر نتواند خیری بکند (همان قدر که نیت خیر داشته) (إِنْ شَاءَ اللَّهُ مانند کسی باشد که کار خیر کرده است). [ترجمه اتابکی]

تحف العقول، ص ۱۷۶

**ج) سند روایت:** یکی دیگر از ساختارهای اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام، مسئله سند روایت است که در سؤال دوم از همین پیوست سند به مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام برای جریان امر هدایت در جامعه تعریف گردید.

اهمیت سند روایت در اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام نیز از طریق روایت امام صادق علیه السلام استظهار می‌گردد: «قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ علیه السلام أَعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا وَ فَهْمِهِمْ مِنَّا»؛ منزلت شیعیان نزد ما را به قدر روایاتی که از ما روایت می‌کنند و فهمی که از ما دارند بشناسید. در این روایت این نکته بیان شده است که منزلت و قدر هر فرد نزد امام علیه السلام، به میزان روایاتی است که از امام نقل می‌کند و فهمی است که از امام دارد؛ یعنی فرد هر قدر منزلت بالاتری داشته باشد امام علیه السلام بیشتر از او در مسئله مدیریت هدایت استفاده می‌کند و قدر و منزلت بیشتری نزد امام علیه السلام دارد و روایات بیشتری را از امام علیه السلام نقل می‌کند.

الغیبة (للعمانی)، ص ۲۲

**د) عمل به علم:** از دیگر ساختارهای اتکا به اشراف، عمل به علم است؛ هر فرد به میزان عملی که به علم خود دارد، علم بیشتری را از معصوم علیه السلام دریافت می‌کند و از این راه در طریق مدیریت هدایت توسط معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد. نقش عمل به علم در اتکا به اشراف نیز از روایت «قَوْلُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا مَا لَمْ يَعْلَمْ» استفاده می‌گردد؛ هر کس به چیزی که می‌داند عمل کند خداوند علم آنچه را که نمی‌داند به او می‌دهد. بنابراین از طریق عمل به علم نیز می‌توان مجرای علم مبتنی بر اشراف قرار گرفت.

بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۸

### سؤال چهارم: فرایند هدایت مرتبط با این روایت چیست؟

چهارمین سؤالی که در مورد حدیث فوق مطرح می‌باشد این است که این روایت کدام فرایند مرتبط با هدایت را تشریح می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقدمتاً باید به این نکته دقت کرد که هر کلامی که از معصوم علیه السلام صادر می‌شود به غرض ایجاد هدایت در جامعه بوده و یک یا چند بُعد از ابعاد هدایت را مورد بحث قرار می‌دهد، زیرا معصوم علیه السلام هدفی جز هدایت جامعه ندارد و تمام سخنان او نیز به همین غرض صادر می‌شود. پس باید نقش حدیث فوق را در فرایند هدایت مشخص کرد و بیان نمود که حدیث فوق کدام بُعد از ابعاد مختلف هدایت را بیان می‌دارد. برای اینکه نقش این حدیث در فرایند هدایت مشخص گردد، مقدمتاً باید دقت کرد که تفاهم احکام دینی با مردم نیازمند رعایت «قاعده مکث» است؛ بر اساس این قاعده، برای تفاهم حکمی دینی باید بحث از سه دسته گزاره درباره آن موضوع را در دستور کار قرار داد. ۱- ثبت موضوع؛ ۲- تحلیل موضوع؛ ۳- پردازش موضوع.

ثبت هر موضوع در واقع بیان این مسئله است که آن حکم دینی کدام یک از نیازهای فطرت را پاسخ می‌دهد.

تحلیل هر موضوع مشتمل بر توضیح ابعاد و حدود و تعریف دقیق آن مسئله است.

گزاره‌های پردازشی نیز بیان‌کننده روش اجرایی کردن آن حکم الهی است.

بدون تفاهم این سه دسته گزاره درباره هر موضوع و حکم دینی، مسئله مشارکت حداکثری و هدایت محقق نخواهد شد. در نتیجه ضمانت اجرایی شدن تمامی احکام و موضوعات دینی که هدف حق تعالی از ارسال رسل و انزال کتب است، منوط به وصول بیان مرتبط با این سه دسته گزاره درباره هر حکمی از احکام شرعی است.

### سؤال پنجم: این روایت دقیقاً چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؟

پس از اینکه در سؤال چهارم مشخص گردید، وصول بیان درباره ساختار سه بخشی قاعده مکث درباره هر یک از احکام شرعی، از ارکان اصلی هدایت جامعه است؛ باید توجه کرد که در مسئله «رزق» که یکی از اصطلاحات پرکاربرد و استفاده در لسان دین است و با مفاهیم و اصطلاحات دیگری مثل «تقدیر»، «ذنب»، «عمل صالح» و ... ارتباط وثیقی دارد. قاعده مکث مقتضی این است که ما نسبت به اصطلاح دینی «رزق» درک «ثبتي»، «تحليلي» و «پردازشي» داشته باشیم. پس از تتبع روایات به این حدیث شریف برخورد می‌کنیم که در مقام بیان دقیق «تحلیل رزق» است. با توجه به اینکه هدایت اقتضای دانستن «تحلیل رزق» را می‌کند، با وجود ضعف سند می‌توان اظهار داشت این روایت بنابر استلزام قاعده قطعی هدایت، از تحریف و نقص مصون مانده است. از طرفی مضمون این روایت ضعیف‌السند با بسیاری از آیات و روایات دیگر هم جهت است.

# شناسنامه محتوایی

## پیشگیری ساختاری از بیماری

### نظام سؤالات اصلی

این نوشتار در پی پاسخگویی به ۴ سؤال اصلی برآمده است.

### نظام سؤالات فرعی

این نوشتار در پی پاسخگویی به ۱۴ سؤال فرعی برآمده است.

### نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات این جلسه ۲۲ عدد می باشد.

### نظام محصولات

نوشتار حاضر با ۱ محصول از شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی ارتباط علمی دارد.

### نظام ارجاعات

۸۶ ارجاع به ۴۳ مرجع کتبی، نظام ارجاعات این جزوه را شامل می شود.

# پیشگیری ساختاری از بیماری

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / ۱۰ مردادماه ۱۳۹۸

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه [nro-di.blog.ir](http://nro-di.blog.ir)

## نظام سؤالات

## الف) متن سؤالات مطرح شده بر اساس فهرست بحث

۱. سوال اول: آیا ما نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه طب هستیم یا خیر؟
- ۱/۱. چه دلیلی برای نیاز کشور به یک دستگاه سیاست‌گذاری و طراحی در حوزه طب اسلامی وجود دارد؟
- ۱/۲. تدبیر و طراحی ملی حول مسئله تراریخته‌ها در کشور چه نتیجه‌ای در پی داشت؟
۲. سوال دوم: تعریف حیات؛ به محوریت سلول یا به محوریت رزق؟
- ۲/۱. مفهوم حیات در ادبیات زیست‌شناسی امروز چگونه تعریف می‌شود؟
- ۲/۲. درک مفهوم حیات در ادبیات وحی به درک چه مفهومی وابسته است؟
- ۲/۳. در مباحث فقه‌الحیاء؛ چند دسته بحث استظهاری پیرامون مفهوم رزق وجود دارد؟
- ۲/۴. اختلال در ابعاد رزق چه نسبتی با بیماری (اختلال در حیات) دارد؟
- ۲/۵. روابط انسانی دخیل در تولید غذا چه تأثیری بر حیات یا اختلال در حیات می‌گذارد؟
۳. سوال سوم: پیشگیری ساختاری از بیماری یا پیشگیری توصیه‌ای؟
- ۳/۱. با توجه به تعریف حیات به یکی از ابعاد رزق، پیشگیری از اختلال در حیات چه تعریفی پیدا می‌کند؟
- ۳/۲. در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری، چند دسته زیرساخت برای پیشگیری از بیماری احصا شده است؟
- ۳/۳. بازتعریف مشاغل کشور در حوزه تولید غذا به محوریت سامانه‌های محلی چه تأثیری بر پیشگیری از بیماری می‌گذارد؟
- ۳/۴. نوع ساخت خانه چه تأثیری بر پیشگیری از بیماری می‌تواند ایجاد کند؟
۴. سوال چهارم: تعریف نسخه به ابزار درمان یا تعریف نسخه به ابزار پیشگیری؟
- ۴/۱. بهترین ابزار برای ارتقاء سطح پیشگیری در جامعه چیست؟ به چه دلیل؟
- ۴/۲. نسخه پزشک چگونه می‌تواند به پیشگیری از بیماری کمک کند؟
- ۴/۳. چرا در ادبیات دین، طبیب با فقیه و امیر، هم‌عرض شمرده شده است؟
- ب) پایه، شرح و رکن سؤالات مطرح در الگوی جدید نگهبانی از نظام

۱	متن سوال	آیا ما نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه طب هستیم یا خیر؟
	پایه سوال	محدودیت اطباء طب اسلامی برای همه فعالیت‌ها
	شرح سوال	لزوم طراحی نظام تدبیر برای حوزه سلامت و ایجاد گفتگوی ملی
	رکن سوال	ضرورت توجه به نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری
۲	متن سوال	تعریف حیات؛ به محوریت سلول یا به محوریت رزق؟
	پایه سوال	عدم اشراف تعریف سلول‌بنیان حیات بر متغیرهای متعدد و غیرقابل شناسایی موجود در فرایند متابولیسم سلول
	شرح سوال	استفاده از مفهوم رزق و ابعاد آن؛ ایجادکننده اشراف تحلیلی در زمینه سلامت موجودات
	رکن سوال	تعریف حیات به عنوان یکی از ابعاد رزق
۳	متن سوال	پیشگیری ساختاری از بیماری یا پیشگیری توصیه‌ای؟
	پایه سوال	افزایش کمی و کیفی بیماری‌ها در کشور؛ با وجود پیشگیری توصیه‌ای
	شرح سوال	تأثیر فراوان ابعاد گوناگون زندگی در پیشگیری از بیماری
	رکن سوال	تعریف پیشگیری به محافظت از "ساختارهای نه‌گانه رزق"
۴	متن سوال	تعریف نسخه به ابزار درمان یا تعریف نسخه به ابزار پیشگیری؟
	پایه سوال	نسخه‌نویسی فعلی؛ ابزار درمان عوارض نظم غلط
	شرح سوال	قدرت بالای نسخه در ساختن تصمیم مریض و اطرافیان وی به دلیل توجه ویژه آنان به نسخه
	رکن سوال	تعریف نسخه به ابزار پیشگیری و تصمیم‌سازی

## نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران:	نظام اصطلاحات الگوی پیشرفت اسلامی:
متابولیسم سلولی - آنابولیسم - مولکول‌های زیستی - سنه ضروریه - فرایند اتوپوز (Autopoiesis) - پلیمرهای کربن پایه - پروتئین - اسیدهای نوکلئیک - اندامک‌های سلول - نظام ژنوم - تک‌یاخته - پُریاخته	پیشگیری ساختاری از بیماری - الگوی ساخت - الگوی تفصیل - فقه‌الحیة - فقه‌البیان - لغت افتتاح - مناسک اختلال در حیات - تنظیم روابط انسانی - مناسک تقدیر - ساختار عوامل مؤثر بر رزق

## نظام ارجاعات

## ارجاعات پژوهشی

قرآن کریم / ۶ بار

نهج البلاغه / ۲ بار

شریف الرضی، محمد بن حسین (۴۰۶ق)، محقق: صالح، صبحی، قم: هجرت (۱۴۱۴ق)

الصحیفة السجادية / ۴ بار

امام علی بن الحسین علیه السلام (۹۵ق)، قم: دفتر نشر الهادی (۱۳۷۶ش)

الکافی / ۱۰ بار

کلینی، محمد بن یعقوب (۳۲۹ق)، تهران: دار الکتب الإسلامية (۱۴۰۷ق)

المحاسن / ۱ بار

برقی، احمد بن محمد (۲۸۰ق)، قم: دار الکتب الإسلامية (۱۳۷۱ق)

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۱ بار

ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۳۸۱ق)، قم: دار الشریف الرضی للنشر (۱۴۰۶ق)

معانی الاخبار / ۱ بار

ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۳۸۱ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۴۰۳ق)

الامالی شیخ طوسی / ۱ بار

طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰ق)، قم: دارالثقافة (۱۴۱۴ق)

وسائل الشیعه / ۲ بار

شیخ حر عاملی، محمد حسن (۱۱۰۴ق)، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام (۱۴۰۹ق)

الزهد / ۱ بار

کوفی اهوازی، حسین بن سعید (قرن ۳ق)، مصحح: عرفان‌یان یزدی، غلامرضا، قم: المطبعة العلمية (۱۴۰۲ق)

اصول الستة عشر / ۱ بار

عده‌ای از علماء (قرن ۳ق)، مصحح: محمودی، ضیاء‌الدین، قم: مؤسسه دار‌الحديث الثقافیه (۱۴۲۳ق)

الغیبة (للنعمانی) / ۱ بار

ابن ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم (۳۶۰ق)، مصحح: غفاری، علی‌اکبر، تهران: نشر صدوق (۱۳۹۷ق)

رجال الکشی / ۱ بار

کشی، محمد بن عمر (نیمه اول قرن ۴ق)، مصحح: طوسی، محمد بن الحسن، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد (۱۴۰۹ق)

منیة المرید / ۱ بار

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۹۶۶ق)، مصحح: مختاری، رضا، قم: مکتب الاعلام الاسلامی (۱۴۰۹ق)

روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه / ۱ بار

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۰۷۰ق)، مصحح: موسوی کرمانی، حسین، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور (۱۴۰۶ق)

مکارم الاخلاق / ۱ بار

طبرسی، حسن بن فضل (قرن ۴ق)، قم: شریف رضی (۱۳۷۰ش)

#### تحف العقول / ۲ بار

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (قرن ۴ق)، قم: جامعه مدرسین (۱۴۰۴ق-۱۳۶۳ش)

#### الدعوات (للراوندي) / ۱ بار

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۵۷۳ق)، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (۱۴۰۷ق)

#### تفسیر العیاشی / ۱ بار

عیاشی، محمد بن مسعود (۳۲۰ق)، تهران: المطبعة العلمية (۱۳۸۰ق)

#### مجموعه ورام / ۱ بار

ورام بن أبي فراس، مسعود بن عيسى (۶۰۵ق)، قم: مکتبه فقیه (۱۴۱۰ق)

#### نهج الفصاحة / ۱ بار

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳ش)، تهران: دنیای دانش (۱۳۸۲ق)

#### غرر الحكم / ۲ بار

تیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۵۵۰ق)، قم: دار الكتاب الإسلامي (۱۴۱۰ق)

#### اقبال الاعمال / ۱ بار

ابن طاووس، علی بن موسی (۶۶۴ق)، تهران: دار الکتب الإسلامیه (۱۴۰۹ق) (ط - القديمة)

#### تفسیر التمی / ۱ بار

قمی، علی بن ابراهیم (قرن ۳ق)، قم: دارالکتاب (۱۴۰۴ق)

#### مصباح الشریعه / ۱ بار

منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام (۱۴۸ق)، بیروت: اعلمی (۱۴۰۰ق)

#### بحار الانوار / ۱۳ بار

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربي (۱۴۰۳ق)

#### مستدرک الوسائل / ۲ بار

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (۱۴۰۸ق)

#### مُسکَنُ الْفُوَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْأَحْبَةِ وَالْأَوْلَادِ

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۶۶ق)، قم: بصیرتی.

#### التنبیهات العالیة علی وظائف الصلاة القلبية:

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۶۶ ه. ق)، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية (۱۳۷۱ ه. ش)

#### الرعاية في علم الدراية

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۹۱۱-۹۶۵ ه. ق)، قم: مکتبه سماحة آية الله المرعشي النجفي (۱۴۳۳ق-۱۳۹۰ش)

#### العدد القويہ لدفع المخاوف اليوميہ / ۱ بار

حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی) (۷۰۳ق)، قم: کتابخانه آية الله مرعشي نجفي (۱۴۰۸ق)

#### عوالي اللئالی / ۱ بار

ابن أبي جمهور، محمد بن زین الدین (۹۰۱ق)، قم: دار سيد الشهداء للنشر (۱۴۰۵ق)

#### وقعه صفین / ۱ بار

نصر بن مزاحم (۲۱۲ق)، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي (۱۴۰۴ق)

#### نظريه وثوق صدورى (پيشخوان ۱۰) / ۱ بار

کشوری، علی

### ارجاعات پرورشی

#### فرهنگ زیست شناسی / ۴ بار

وزیری، بزرگمهر، تهران: امیرکبیر (۱۳۶۴ش)

#### قانونچه در طب / ۱ بار

چغمینی، محمود بن محمد (۷۴۵ق)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (۱۳۸۶ش)

### ارجاعات پردازشی

#### پایگاه نقشه راه / ۱ بار

پایگاه رسمی (who) سازمان بهداشت جهانی / ۵ بار

خبرگزاری تسنیم / ۱ بار

پایگاه سازمان غذا و داروی ایران / ۱ بار

پایگاه نظارت بین المللی دارو / ۱ بار

سایت دانشگاه علوم پزشکی تهران / ۱ بار

دانشنامه رسمی بریتانیکا / ۳ بار

# نظام محصولات مرتبط

دوره پیش‌رو که در نه جلسه ایراد شده است به تبیین روش اصولی حاکم بر اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی پرداخته است. جلسه اول و نهم در مقام جانمایی مبحث فقه‌البیان در میان مجموعه مباحث اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی بوده، جلسه دوم به شرح اجمالی نسبت میان این دیدگاه اصولی با نگاه اصولی مشهور در حوزه‌های علمیه پرداخته، جلسه سوم و چهارم اولین باب از ابواب نه‌گانه فقه‌البیان (بیان مبتنی بر ظرفیت) که متکفل ارائه مهم‌ترین دسته از قواعد فقه‌البیان می‌باشد را مورد بررسی قرار داده و جلسات پنجم تا هشتم نیز به چهار باب دیگر اختصاص پیدا کرده است: ابوابی چون بیان مبتنی بر تأمل، بیان در فضای نظام مقایسه، بیان مبتنی بر مکتب و بیان مبتنی بر رفق.

باید اذعان کرد که بر اساس فقه هدایت (دیدگاه فقه حکومتی مختار در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی) اگر به تحقق و پردازش نه امر از امور جامعه اسلامی مبادرت ورزیده شود، مسئله هدایت در نظام مقدس جمهوری اسلامی فریه خواهد شد. یکی از این امور مهمه مسئله بیان و مخاطبات موجود میان انسان‌هاست: چگونه سخن گفتن و چگونه مخاطب کردن افراد، در تحریک فکری و ارتقای ظرفیت آنان (اعم از گوینده و شنونده) کمک بسزایی خواهد کرد. فقه‌البیان (به معنای برداشت استظهاری از کلمات نورانی وحی پیرامون مسئله بیان) از این حیث نیز می‌تواند به ارتقای ظرفیت در جامعه خدمت رساند؛ اما آنچه مهم‌تر به نظر می‌آید آن است که کاربرد مباحث فقه‌البیان نه تنها در حوزه بهینه مخاطبات مؤمنین با یکدیگر انحصاری ندارد بلکه افزایش سطح توانمندی در فقهای عظیم‌الشأن شیعه از تحلیل مخاطبات قرآن کریم و حضرات آل الله صلوات علیهم اجمعین، کارایی اصلی این مباحث نواندیشانه را مشخص می‌کند. به بیان روشن‌تر اگر قواعدی از سوی ثقلین برای بیان به غرض هدایت گفته شده باشد، مشخص است که خود آنان نیز به این قواعد ملتزم خواهند بود؛ چرا که هدف شارع مقدس به غیر از هدایت نبوده است و التزام به شیء التزام به لوازم آن را نیز در پی می‌آورد. به همین سبب، شیوع طرح و نقد پیرامون فقه‌البیان در حوزه‌های مبارکه علمیه می‌تواند مسیری هموارتر و طریقی عریض‌تر در مواجهه با این متون نجات‌بخش را پیش‌روی داعیان الی الله و درایه‌کنندگان معظم شیعه که همان فقها کثرالله امثالهم باشند قرار دهد.



فقه‌البیان؛

روش اصولی حاکم بر اولین

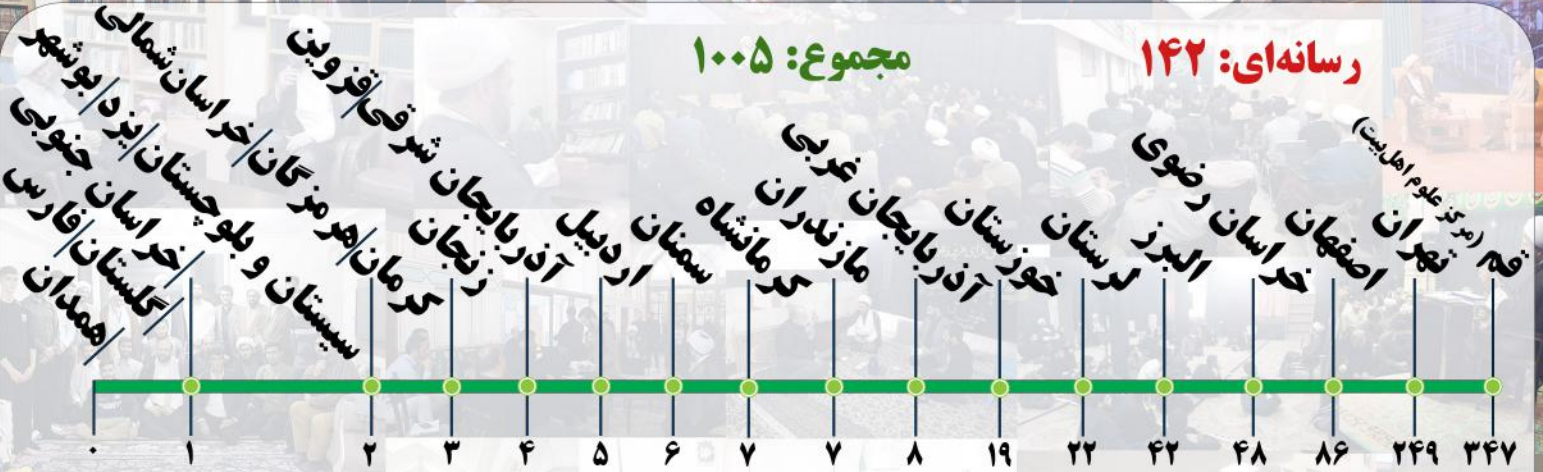
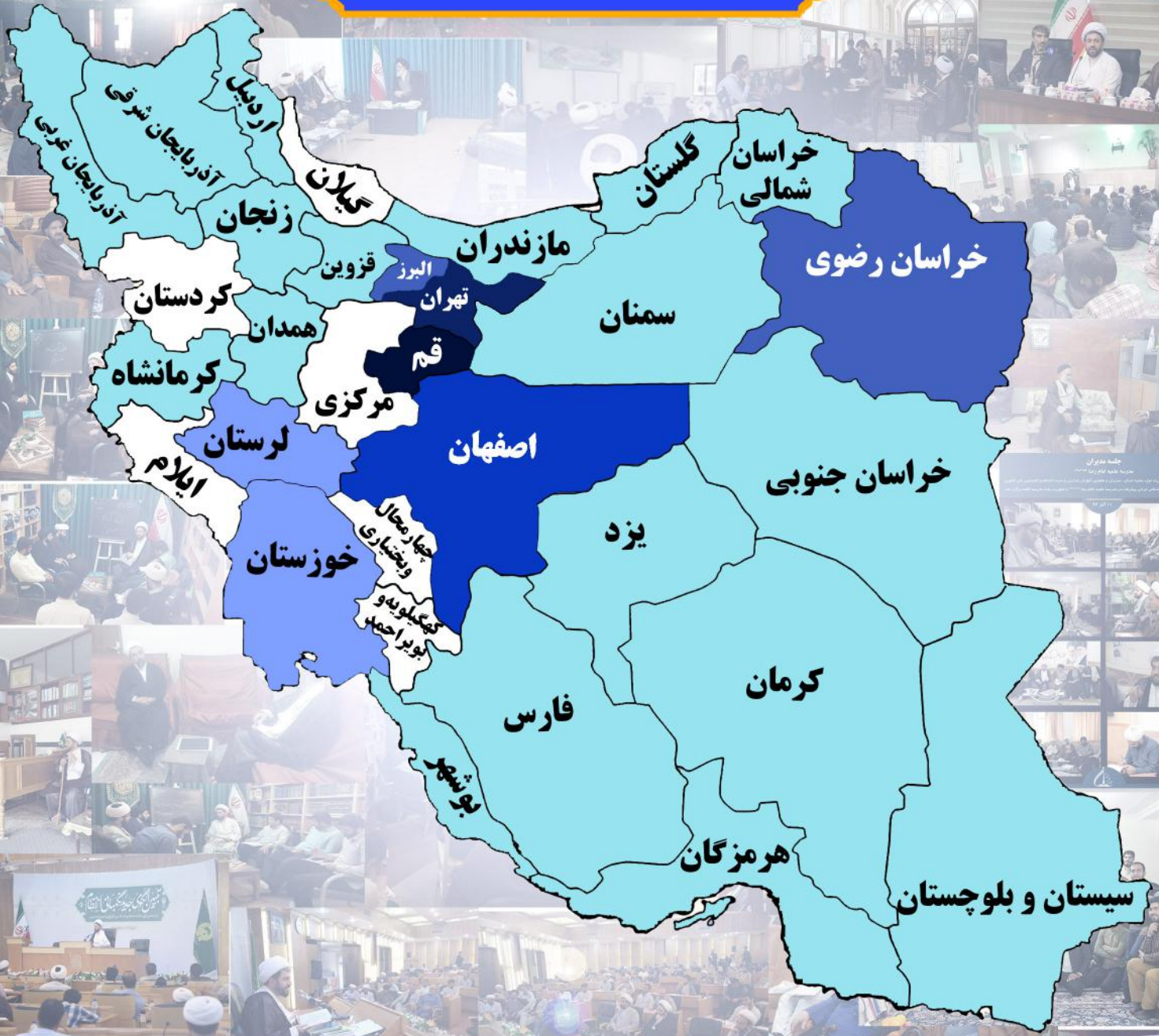
نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

۳۳/۴/۲





# جلسات گفتمان سازی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی (از سال ۱۳۹۰)



@olgout



nro-di.blog.ir

# انتشارات الگوی پیشرفت اسلامی

(محصولات مرتبط با اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی)\*

۳ 

## پیشخوان

اظهار نظر کارشناسی برای آماده سازی اذهان مخاطبین قبل از حضور در یک نشست تخصصی

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸، ۱۶ پیشخوان در موضوعات: الگوی جدید نگرانی از نظام، محصولات تاریخته، دوران تحلیل، چگونگی فقرزایی بانک مرکزی، مدرسه اقامه، مدیریت شهری، نظریه وثوق صدوری تکاملی، فقه البیان، نظریه تعرف، فقه العلم، آموزش و پرورش آینده، معایب بخش سلامت سند توسعه پایدار، فقه آینده، تبیین الگوی پیشرفت ۵۰ سال آینده انقلاب اسلامی و تبیین مرحله تعقل از مراحل تفکر به انتشار رسیده است.

۲ 

## جزوه تولد نظریه

تقریر ارائه شده توسط پژوهشگران بررسی کننده نظریه در نشست تخصصی دایره پژوهش

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸، ۷ جزوه تولد نظریه در موضوعات: وثوق صدوری تکاملی و الگوی طراحی و اجرای عملیات در جنگ نرم به انتشار رسیده است.

۱ 

## نمودار پژوهشی

تبیین ساختار نظریه توسط نظریه پرداز

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸، ۲۷ نمودار پژوهشی در موضوعات: دور جدید گفتگوهای ملی حول الگوی پیشرفت اسلامی، ارکان نمونه سازی، مدیریت ارتباطات، تدوین، شاخصه های ارزیابی، اصول ساختمان سازی، فقه المکاسب، عوامل حیات و امام جمعه تراز انقلاب اسلامی، روابط بین الملل، مدیریت مشاغل دریایی، تحلیل ساختار حیات بر مبنای تفکر مدرن، ماهیت علم و ... به انتشار رسیده است.

۶ 

## پیاده فوری

متن پیاده فوری نشست های تخصصی، دوره های مباحثاتی و جلسات ارتباطی برای خبررسانی سریع و مدیریت شایعات

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸، ۵۰ پیاده فوری در قالب ۳۳ عنوان با موضوعات: فقه آینده، الگوی ساخت نظامات اسلامی، پیشگیری ساختاری از بیماری، نقد بخش سلامت سند توسعه پایدار، نقش گستگی روابط انسانی در افول آمریکا، مرحله تعقل در مراحل پنج گانه فکر، آموزش و پرورش آینده، فقه العلم، مدرسه اقامه، نگاهی به آرمان های پیشرفت ایران در پنج دهه اخیر، تفاوت الگوی توسعه غربی و پیشرفت اسلامی، وثوق صدوری تکاملی، چگونگی فقرزایی توسط بانک مرکزی، الگوی جدید نگرانی از نظام، محصولات تراریخته، مدرسه اقامه، آموزش و پرورش آینده و فقه العلم و ... به انتشار رسیده است.

۵ 

## گزارش راهبردی

بررسی مکتوب آثار یک تصمیم حکومتی بر اساس یک نظریه بخشی الگوی پیشرفت اسلامی

تا تاریخ ۲۳ دی ۱۳۹۸ تدوین ۱۳ گزارش راهبردی در موضوعات فقه البیان، فقه العلم، آموزش و پرورش آینده، نقد فرهنگ سازی (مبانی نظری) روش تدبیر (گزارش راهبردی) و به انتشار خواهد رسید.

۴ 

## دوره مباحثاتی

تشریح تفصیلی نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی، همراه با نظام سوالات، نظام اصطلاحات و نظام ارجاعات بحث به صورت مجزا

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۲۳ دی ۱۳۹۷، ۲ دوره مباحثاتی در موضوعات آموزش و پرورش آینده و گزارش راهبردی به انتشار رسید و ۴ دوره مباحثاتی در موضوعات فقه البیان، فقه العلم، مبانی نظری الگوی پیشرفت اسلامی و جهت حرکت انقلاب اسلامی الگوی تولید خبر، پیشگیری ساختاری از بیماری، مدیریت شهری به زودی به انتشار خواهد رسید.

۹ 

## آلبوم جلسات

گزارش تصویری برخی از نشست های الگوی پیشرفت اسلامی

به زودی در نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت اسلامی، آلبوم جلسات به نمایش گذاشته خواهد شد.

۸ 

## گزارش جلسات ارتباطی

گزارش مکتوب از جلسات با صاحب نظران و مدیران کشور

گزارش مباحثه با حجج اسلام صدوق و تبریزیان و اکبرنژاد و ... به زودی منتشر خواهد شد.

۷ 

## راهنمای کارشناسان

گزارش مکتوب از جلسات داخلی با کارشناسان الگوی پیشرفت اسلامی برای مباحثه نقشه ها و تصمیمات شورا

از تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۷ تا تاریخ ۱۹ تیر ۱۳۹۸، چند ده جلسه در موضوعات اخبار و الزامات دوران پردازش و الزامات کمیته های تخصصی شورای راهبردی برگزار شده که به زودی گزارش مکتوبی از بعضی از آنها در نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت اسلامی رونمایی می شود.

من اجمالا به خاطر یک استدلال معتقدم که ما به نظام سلامت و به طراحی در این حوزه نیاز داریم و آن استدلال هم این است که الان دست دوستان طب اسلامی بسته است! یعنی هم در تولید دارو، هم در تعلیم و آموزش، هم در برگزاری جلسات نقد جدی به نظام سلامت موجود؛ ما با محدودیت‌های گسترده‌ای روبرو هستیم.

این محدودیت‌های گسترده در نهایت خودش باعث می‌شود که ما نتوانیم حرف نهایی خودمان را با جامعه تفاهم کنیم و جامعه، ما را به عنوان یک رقیب توانمند در مقابل تئوری‌های WHO حس نمی‌کند. پس ما را هم به عنوان نسخه نهایی انتخاب نخواهد کرد یا - اگر من بخواهم نرمش قهرمانانه انجام بدهم - این اتفاق خیلی دیر رقم خواهد خورد.

\* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه [nro-di.blog.ir](http://nro-di.blog.ir)

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4)

